

مقدمه

تعلیم و تربیت، فنی بسیار ظریف و حساس است که تنها با کارآمدی و حرفه ای بودن و اطلاع دقیق از مسائل و فرآیند آموزش و پرورش می توان از عهده انجام آن برآمد، زیرا این کار نیاز به دانش، آگاهی و مهارت های خاصی دارد که بدون داشتن آن ها نمی توان به امر تعلیم و تربیت پرداخت.

معلم برای حفظ و افزایش کارآمدی خود و موفقیت در تدریس، باید پیوسته در حال یادگیری باشد، همواره تغییرات و تحولات مربوط به حرفه خود را پیگیری نماید و با توجه به پیشرفت های علوم و فنون در زمینه های مختلف معلومات، مهارت ها و اطلاعات خویش را ارتقاء بخشد.

علاوه بر این، معلم برای تدریس مؤثر و هدایت دانش آموزان باید قادر به ایفای نقش های متعددی در کلاس درس باشد. اجرای این نقش ها به معلم کمک می کند تا شناخت کافی از شاگردان خود پیدا کند و سپس با توجه به خصوصیات شخصیتی، رشد و تکامل آن ها آموزش های لازم را ارائه دهد.

فصل اول (کلیات)

نقش اجتماعی^۱

نقش، معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد. یکی از متداول‌ترین مفاهیم آن مرتبط با اعمالی است که هر فرد به مناسبت پایگاه‌هایی که در جامعه دارد انجام می‌دهد. از نظر والتر کوتو^۲ نقش معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد.

بروس کوئن^۳ می‌نویسد: نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او آن‌ها را می‌پذیرد.

از نظر لیتون^۴ (۱۸۹۳-۱۹۵۳) نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال می‌کنند، داده می‌شود.

مفهوم نقش با مفهوم موقعیت اجتماعی رابطه دارد، گرچه باید از هم متمایز شوند. موقعیت، عنصری از ساختارشناسی سازمانی، جایگاهی در فضای اجتماعی و مقوله‌ای از عضویت سازمانی است. به این ترتیب، نقش جنبه‌ای از فیزیولوژی سازمانی است و مستلزم کارکرد، انطباق و فرایند است. اگر گفته شود شخص موقعیت اجتماعی را اشغال می‌کند، بیان معناداری است، اما اینکه بسیاری می‌گویند کسی نقشی را اشغال می‌کند، درست نیست.

مفهوم نقش را در ابتدای قرن بیستم چارلز هورتون کولی^۵ و هربرت مید^۶ عنوان کردند و تاکنون به صورت منظم و علمی توسعه پیدا کرده است و موارد استعمال فراوان آن در قلمرو وسیع علوم انسانی مورد تأیید روان‌شناسان و جامعه‌شناسان واقع شده است. این مفهوم، یکی از مفاهیم کلیدی مکتب کنش متقابل نمادین می‌باشد که فراوان در نظریان افرادی چون هربرت مید و همچنین در نظریات ویلیام گراهام سامنر^۷، دانیل ج. اوین سن^۸ و اروینگ گافمن^۹ به کار می‌رود.

از نظر مید شخصیت اجتماعی فرد به خاطر ایفای نقش‌های اجتماعی تکوین می‌یابد. کودک به تدریج زبان را فرا می‌گیرد و به وسیله تمریناتی که در "خودی ساختن" نقش دیگران به عمل می‌آورد رفتار خود را معنادار می‌کند. در

^۱. Social Role

^۲. Kotou

^۳. Koen

^۴. Ralph Linton

^۵. Cooli

^۶. Mid

^۷. Sumner

^۸. Soun

^۹. Gufman

راستای چنین روندی "من فاعلی فرد" به نفع "من مفعولی یا کلی" او تضعیف می‌گردد. انواع بازی به کسب این مهارت‌ها و شکل گرفتن رفتار اندیشمندانه کمک فراوان می‌کند. به نظر وی وظیفه اصلی بازی نزد کودک انسان ایفای نقش و تکوین شخصیت اجتماعی و تمرین آزاد در مناسبات و روابط گروهی است. فرد در طول زندگی خود، نقش‌های گوناگون را در مراحل پی‌درپی یا همزمان ایفا می‌کند و ترکیب مجموعه نقش‌هایی که از تولد تا مرگ ایفا کرده است شخصیت او را شکل می‌دهد.

در ادامه بحث، به بررسی مفاهیم مهم و کلیدی نقش که بحث‌های قابل توجهی را توسط صاحب‌نظران رشته جامعه‌شناسی به خود اختصاص داده است، پرداخته می‌شود.

بازی نقش یا نقش بازی کردن^{۱۰}

نقش بازی کردن ناظر بر رفتاری است که نمود خارجی دارد، یعنی عملی که از انسان سر می‌زند و با فعالیت ظاهری او تطبیق می‌کند، مانند تدریس معلم در یک کلاس یا مواظبت مادر که از کودکش انجام می‌دهد.

از نظر کوتو "نقش بازی کردن" امری روان‌شناسانه است و به فعالیت ذهنی و شناختن نمادی مشخص به‌عنوان یک فرد مربوط می‌شود. مفهوم نقش بازی کردن همواره حاوی عنصر وانمود کردن و تظاهر به غیرواقعی است. از نظر وی "نقش داشتن" واژه‌ای جامعه‌شناسانه است و متوجه فردی است که عضو گروهی محسوب می‌شود و مشتمل بر عمل جدی و واقعی است.

از نظر گافمن، هنگامی که فرد نقشی را بازی می‌کند، به‌طور ضمنی از مشاهده‌گران می‌خواهد که به‌طور جدی تأثیری را که در برابر آن‌ها ساخته و پرداخته شده است بپذیرند، از آن‌ها می‌خواهد باور کنند شخصیتی که در برابر آن‌هاست، واقعاً صفاتی را دارد که نشان می‌دهد و وظایفی که انجام می‌دهد پیامدهایی را خواهد داشت که به‌طور ضمنی ادعای آن را داشته است و نیز به‌طور کلی باور کنند واقعیت همان است که به‌نظر می‌رسد.

نقش نمایشی^{۱۱}

فردی که آگاهانه می‌کوشد نقشی را به‌طور کامل انجام دهد تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، نقش نمایشی را ایفا می‌کند. شخصی که یک نقش نمایشی را برعهده می‌گیرد، اشخاصی را که با او سروکار دارند، معمولاً حضار یا تماشاگرانی تلقی می‌کند که مراقب ایفای نقش او هستند. هرگاه فرد کوشش آگاهانه‌ای به‌عمل آورد تا تصویر مطلوبی را از خود نشان دهد و این تصویر را حضار یا مخاطبان بپذیرند، شاید بتوان گفت که او به هدف نقش نمایشی (بازی نقش) خود رسیده است.

^{۱۰}. Play Role

^{۱۱}. Representation Role

اجرای نقش و نقش‌پذیری^{۱۲}

"اجرای نقش"، مفهوم اصلی در توصیف رشد "خود" است. فرد تعریفی از "خود" را که از دیگران اخذ شده، هرچه عمیق‌تر بپذیرد، نقش‌های اخذ شده را بیشتر به‌عنوان خودش در نظر می‌گیرد. پذیرش کامل‌تر و پایاتر دیدگاه‌های بیرونی نسبت به "خود"، نقش‌پذیری خوانده می‌شود. در بازی فردی و جمعی خصوصیت ساختگی مداومی وجود دارد که برای یادگیری و شناخت "خود" مفید است، اما نقش‌پذیری منحصر به وقایع درون بازی نیست و چیزی مخالف با ساختگی بودن را القا می‌کند. در حالی که "اجرای نقش" رشد "خود" را ممکن می‌سازد، نقش‌پذیری به خود "هویت" می‌بخشد.

شبکه (مجموعه) نقش‌ها^{۱۳}

هنگامی که فرد در قبال پایگاه اجتماعی معینی، مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد، تا حدی در شبکه پیچیده‌ای از نقش‌ها درگیر می‌شود که به آن پایگاه پیوند خورده است. مفهوم شبکه نقش‌ها به مجموعه روابط و مناسباتی اطلاق می‌شود که شخص با افراد دیگری که با آن در تماس است، برقرار می‌کند. در همان حال او باید نقش‌های مختلف دیگری را که با پایگاه ویژه‌ای مطابقت دارد، انجام دهد. مثالی که می‌توان برای این مفهوم آورد: شبکه نقش‌های یک مشاور حقوقی: شامل ارتباط با همکاران، قضات، کارکنان ادارات حقوقی، محاکم، مجریان، منشی‌ها، پلیس قضایی و بسیاری دیگر از افراد است. این فرد، به‌رغم محدودیت زمانی، می‌کوشد تماس خود را با همه این افراد و گروه‌ها حفظ کند و نیازهای آنان را در نظر بگیرد.

ایفای نقش^{۱۴}

این اصطلاح به جنبه رفتاری آشکار نقش‌شناسی دلالت دارد. منظور شیوه‌های کمابیش ویژه‌ای است که طی آن فرد به‌عنوان اشغال‌کننده موقعیت یا مقام اجتماعی عمل می‌کند. چون ایفای نقش به‌طور بی‌واسطه شامل رفتار قابل ملاحظه‌ای است، توصیف آن ظاهراً چند مسئله منتظم را در پی دارد.

به نظر یان رابرتسون^{۱۵}، نقش‌هایی که ما در زندگی ایفا می‌کنیم به پایگاه‌هایی بستگی دارد که به‌طور اتفاقی در یک زمان معین عهده‌دار شده‌ایم. اگر شما اکنون، با استادتان به‌عنوان یک دانشجو گفت‌وگو می‌کنید، رفتار شما متفاوت است یا آنچه که اگر چند سال بعد با عنوان یک واقف خیرخواه و ثروتمند دوباره به محیط دانشگاه برگردید.

به همین ترتیب، واکنش ما نسبت به مردم با نقش‌هایی که آنان برای ما ایفا می‌کنند، مطابقت دارد. کسی که برای شما نقش یک پزشک را ایفا می‌کند اگر از شما بخواهد که لباسان را درآورید، شما فوراً قبول می‌کنید، ولی اگر

^{۱۲} . Acceptation of Role & Execution of Role

^{۱۳} . Set Role

^{۱۴} . Performance of Role

^{۱۵} . Rabertson

همان شخص همان تقاضا را به عنوان میزبان شما سر میز نهار به عمل آورد احتمالاً واکنش کاملاً متفاوتی نشان خواهید داد.

نقش اکتسابی و انتسابی^{۱۶}

نقش محقق یا اکتسابی، نقشی است که شخص با عزم و اراده و صلاحیت شخصی خود آن را به دست می آورد. مثل نقش زن و شوهر که بعد از تصمیم گرفتن به ازدواج آن را احراز می کنند یا نقش های شغلی در مشاغل علمی و آموزشی، بازاری و ... نیز تقاضاهای عضویت در گروه های اجتماعی و تصدی مسئولیت در آن ها از جمله این نقش هاست.

نقش انتسابی یا محول، به شیوه ایفای نقش طبق انتظارات جامعه را گویند. از نظر بروس کوئن^{۱۷} برخی افراد همواره مطابق با انتظارات دیگران رفتار نمی کنند، اما در عین حال، نقشی را که جامعه به آنان محول کرده، انجام می دهند.

تعارض نقش ها^{۱۸}

انجام یک یا چند نقش که مستلزم رفتارهای متناقض یا متعارض است را تعارض نقش می گویند. در جوامع جدید صنعتی که عضویت در گروه های متعدد از ویژگی های آن است، از بیشتر افراد انتظار می رود که به الزامات بیش از یک نقش پاسخ گویند و بسیار پیش می آید که برای انجام دادن چنین نقش هایی که باهم در تعارض اند، فرد دچار اختلال فکری و بی نظمی شود. حتی در مورد یک نقش نیز ممکن است فرد دچار تعارض شود.

برای نمونه از یک استاد دانشگاه انتظار می رود که بخشی از وقت و نیروی خود را برای تهیه مطالب درسی و تدریس گذاشته و بخش دیگر را برای پاسخ به دانشجویان، و گفت و گو با آن ها اختصاص بدهد، در عین حال، برای ارتقای سطح علمی خود به تحقیق و انتشار کتاب و مقاله پردازد و همچنین در جلسات آموزشی و کمیته های دانشگاه مشارکت کند و بخشی از وقت خود را نیز برای زندگی شخصی و کارهای اجتماعی اختصاص دهد. لذا امکان به وجود آمدن تعارض در بر آورده کردن انتظارات در این نقش ها می باشد.

فشار نقش^{۱۹}

گاه اتفاق می افتد که فرد در انجام نقشی که از او انتظار می رود، دچار مشکل می شود و این به دلیل تعارض نقش ها و وظایف یا انتظاراتی است که در قبال آن نقش وجود دارد. این تعارضات ممکن است هنگامی ظاهر شود که طرف

^{۱۶} . Role Achieved & Role Ascribed

^{۱۷} . Bruce Cohen

^{۱۸} . Role Conflict

^{۱۹} . Role Strain

مقابل نقش، انتظارات متفاوتی از دارنده نقش دارد، یا زمانی که شخص پایگاهی را اشغال می کند که مستلزم یک سلسله الگوهای رفتاری متفاوتی است که در آن لحظه، ممکن است با یکدیگر در تعارض باشند (کوئن، ۱۳۹۳). مثل اینکه؛ از یک مربی تیم فوتبال انتظار می رود که با بازیکنان و اعضای تیم روابط صمیمانه ای داشته باشد، اما در عین حال، انتظار می رود که تصمیمات دقیق و شدیدی را برای اداره تیم و نظم آن به اجرا درآورد و حتی گاهی ممکن است لازم باشد عضوی را تغییر دهد یا جابه جا کند تا از این طریق تیم خود را اصلاح کند. کار چندان ساده ای نیست که مربی جزء بچه ها باشد و در عین حال، اعمال انضباط کند. در این حالت، غالباً مربی در تجربیات خود با مشکل ایفای نقش (فشار نقش) روبه روست.

تعدد و تعارض نقش ها

جوامع هر چه دارای ساخت پیچیده تری باشند، پدیده تعدد نقش ها بیشتر مشاهده می گردد. نتیجه تعدد نقش ها، پدیده دیگری است که اصطلاحاً آنرا تضاد، یا ستیز یا برخورد یا تعارض نقش ها گویند، تضاد نقش ها بدین معناست که در نتیجه تعدد نقش ها بین برخی از نقش های اجتماعی فرد یا نقش های دیگر وی تضاد در می گیرد. بعضی از نقش ها با نقش ها یکدیگر فرد سازگار نبوده و در مواردی نیز حتی یک نقش واحد ممکن است به تنهایی بقیه نقش های فرد را تحت الشعاع قرار دهد. بعنوان مثال شخصی که در یک جامعه صنعتی مدیر موسسه اقتصادی معتبری است، بدلیل اشتغالات فراوانی که در رابطه با این شغل دارد، ممکن است قادر به ایفای سایر نقش های اجتماعی خود بطور کامل نباشد و نقش پدری را به نحوی احسن انجام ندهد. چنانچه عضو گروه سیاسی یا حزبی باشد، بعنوان عضو فعال تلقی نگردد و به همین سیاق وظایف دیگر خود را در موسساتی که عضویت آن ها را قبول نموده است نتواند ایفا کند. چنین وضعیتی را که غالباً در جوامع با ساخت پیچیده مبتنی بر اقتصاد صنعتی دیده می شود اصطلاحاً تضاد یا تعارض یا ستیز نقش ها گویند.

پایگاه اجتماعی^{۲۰}

پایگاه اجتماعی واژه ای است که در جامعه شناسی این معنا را به خوبی بیان دارد و عبارت از موقعیت یک فرد در گروه یا رتبه ی یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر است (کوئن، ۱۳۹۳: ۵۷). بر اساس درجه این رتبه یا پایگاه می توان درجه ای از منزلت یا جایگاه اجتماعی را برای افراد تصور کرد.

^{۲۰}. Social Status

هر شخصی که عضو یک گروه اجتماعی و اعم از شغلی یا غیر شغلی می شود، در جامعه ای که بدان تعلق دارد، مقام و منزلتی یا به اصطلاح جامعه شناسان پایگاهی دارد. پایگاه اجتماعی وی، مقام یا موقعیتی است که معاصران یک شخص به طور عینی برایش در جامعه ای که زندگی می کند، قائلند (چلبی، ۱۳۷۱).

عوامل تعیین کننده پایگاه اجتماعی

صاحب نظران جامعه شناسی از ملاک های متعددی در این باره عوامل موثر بر پایگاه اجتماعی نام برده اند که به طور خلاصه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نیاکان یا اصل و نسب که موقعیتی ممتاز یا معمولی به فرد می دهند.
تولد در خانواده ای خوشنام یا بدنام در جامعه حتی در آزادمنش ترین افراد نوعی ارزش به حساب می آید. منزلت اجتماعی نیاکان به چند عامل حسن شهرت خانوادگی، سابقه سکونت در محل، بومی بودن یا مهاجر بودن و... بستگی دارد.

ب) وضعیت اقتصادی
مزایای اقتصادی یکی از معیارهای جهانی پایگاه اجتماعی را تشکیل می دهد. این معیار یکی از معتبرترین و عینی ترین معیارهاست. زیرا اموال و دارئی های مادی اشیاء، ملموس و قابل اندازه گیری هستند. منشاء ثروت هم معنای اجتماعی دارد و ثروتی که نسل اندر نسل اندوخته شده و به ارث رسیده است از لحاظ اجتماعی شان و منزلت بیشتری نسبت به ثروت جدید، دارد.

ج) قدرت
یکی دیگر از مزایای اجتماعی که در منزلت اجتماعی افراد جامعه نقش اساسی دارد قدرت می باشد. که این قدرت در گذشته و جوامع سنتی بیشتر در شکل قدرت جسمانی و نیروی انسانی مطرح بوده است اما در جوامع امروزی بیشتر در شکل سیاسی مطرح می باشد. افرادی که در یکی از نقش های سیاسی قرار می گیرند، به ویژه نقش های سیاسی مرتبط با حکومت ها افرادی که دارنده این نقش ها هستند و وابستگان آن ها (خانوادگی یا حزبی و گروهی) در بعضی از جامعه از شأن و رتبه ی بالایی در سلسله مراتب اجتماعی برخوردارند.

د) وضعیت شغلی
کار آمد بودن یک فرد در موقعیت شغلی او معیار مهمی در تعیین پایگاه اجتماعی است. شخص بر حسب آنچه انجام می دهد در جامعه رتبه بندی می شود و مراتب آن بستگی به ارزشی دارد که اشخاص برای مشاغل جامعه قایلند. در جامعه ای که نهاد اقتصادی در راس سلسله مراتب قرار دارد. ارزشیابی یک شخص معمولاً بر مبنای مهارت های شغلی و فایده ای که آن اشتغال برای جامعه دارد انجام می گیرد. در همه جای دنیا پایگاه اجتماعی پزشکان یک بیمارستان عالی تر از پایگاه اجتماعی خدمه آن بیمارستان، ارزیابی می شود.

ه) وضعیت تحصیلی

پایگاه اجتماعی افراد با سطح تحصیلات آن‌ها رابطه مستقیمی دارد. تحصیلات و مدرک تحصیلی در ارتقاء افراد و کسب سلسله مراتب پایگاه اجتماعی به ویژه در سلسله مراتب سازمانی و اداری دارد. البته در بعضی جوامع صرف داشتن مدرک تحصیلی ملاک نبوده بلکه میزان دانش و علم و تخصص نسبت به موضوعی خاص در این زمینه نیز بی تاثیر نمی باشد.

و) احترام اجتماعی

در اکثر جوامع میزان احترام و ارزشی که افراد جامعه برای اشخاص خاصی قایل هستند، در سلسله مراتب اجتماعی جامعه بسیار موثر می باشد، افرادی که دارای ویژگی های کاریزماتیک بوده و یا نقش موثر در تغییرات و تحولات جامعه هستند، مانند علماء، دانشمندان، هنرمندان و ... جدای از همه ی ویژگی های دیگرشان از احترام و منزلت اجتماعی خاصی در جامعه برخوردارند.

ز) خصوصیات بیولوژیکی

ویژگی های بیولوژیکی نیز در بعضی جوامع می تواند در سلسله مراتب اجتماعی جامعه از جایگاه ویژه ای برخوردار باشد، ویژگی هایی مانند: سن، جنس و ... مهم تلقی می شود (توسلی، ۱۳۹۲).

جایگاه اجتماعی معلم در جامعه

معلم بعنوان یکی از عوامل مهم در فرآیند آموزشی است، زیرا که معلم است که تمامی اهداف، ارزش ها، محتوا، برنامه ها و... را در کلاس ارائه و بکار می گیرد. امروزه با توجه به گسترش بسیاری از علوم ارتباطی و امکانات فزاینده سمعی و بصری و اینترنت و امکان اجرای آموزش از راه دور بدون حضور در مدرسه کاملاً فراهم است. اما در تمام کشورهای جهان مدرسه بعنوان اولین و اساسی ترین مکان برای آموزش، مورد توجه همگان است. و شاید علت اساسی آن عاملی تحت عنوان معلم است که به مدرسه این جایگاه و ارزش را بخشیده است و گر نه انتقال دانش از طریق وسایلی و رسانه هایی مانند کامپیوتر، اینترنت و غیره هم جالب است و هم امکان آموختن مطالب بیشتری به دانش آموزان می دهد.

رفتار معلم از دو جهت دریافتی فراگیران اثر می گذارد، یکی اینکه معلم از طریق مدیریت و سازماندهی، عوامل موثر دریافتی، موقعیت مناسب تری برای یادگیری فراهم می سازد. یکی از یافته های که بوسیله ی بروفی^{۲۱} تلخیص شده است که اصولاً دانش آموزانی که از طریق یک برنامه درسی سازمان یافته تدریس شده اند، بهتر از آن هایی که به وسیله ی رویکردهای انفرادی تر یا اکتشافی تدریس شده اند، عمل می کنند. یافته های دیگر گویای

^{۲۱}.Broufi

این حقیقت است که: آن هایی که بیشتر آموزش خویش را بطور مستقیم از معلم دریافت می کنند، بهتر از آن هایی که انتظار می رود خود آموخته و یا از یکدیگر بیاموزند، عمل می نمایند. بررسی ها گویای این است که یادگیری در شرایط نظام یافته انجام می گیرد و نظم دهنده محیط یادگیری، معلم است. البته در این محیط فراگیران بطور فعال برخورد می کنند. نوع فعالیت های آنان و چگونگی تعامل آنان با سایر عوامل محیطی را معلم سازمان می دهد. بروفی مطالعاتی را گزارش می دهد که نشان می دهند که معلمان موفق تر آن هایی هستند که تکلیف گرا بوده و کارشان را چنان انجام می دهند که موجب حرکت سریع کلاس در مسیر مطلوب می شود. نتایج یادگیری در کلاس هایی جذاب تر است که در آن ها دانش آموزان تا حد وسیعی با معلم در کنش باشند.

جهت دیگر تاثیر معلم بر یادگیری به انتظارات معلم از شاگرد برمی گردد. اگر دانش آموزان احساس کنند که از طرف معلم مورد انتظار هستند، پیشرفت تحصیلی بالاتری خواهند داشت. البته این انتظار معلم باید با ایجاد تصور مثبت از توانایی های خود در دانش آموزان مورد حمایت قرار گیرد. علاوه بر تاثیر معلم و نقش او در پیشرفت فراگیران از جهت نقش الگویی نیز می توان به رابطه ی معلم و دانش آموز نگریست، چون دانش آموزان معلمان خود را انسان های خیلی مهم تلقی می کنند و رابطه ی عاطفی قوی بین آنان حاکم است منش و رفتار معلم روی شاگرد اثر می گذارد. پس تنها طرح درس و اجرای درست آن در کلاس تضمین کننده ی حصول هدف ها نیست بلکه جلوه های رفتاری معلمان و تاثیر آن ها در رفتار شاگردان عامل مهم در یادگیری است (جباری، ۱۳۷۹).

معلم در ساخت اجتماعی جامعه در کدام پایگاه قرار دارد؟

با توجه به اینکه معلم مهم ترین نقش را در نظام تعلیم و تربیت دارد و آموزش و پرورش در توسعه ی جامعه نقش اساسی را دارد، به نظر می رسد معلم بایستی در جامعه از جایگاه و رتبه بالایی برخوردار باشد. ماسگرو و تیلور^{۲۲} در بحث خود با عنوان « مشکلات پایگاه و نقش » به شرایط نامطلوب « پایگاه ناهماهنگ » اشاره می کنند. این پایگاه هنگامی موجودیت پیدا می کند که یک نفر در دو یا چند موقعیت حضور می یابد، گفتن اینکه در پایگاه یک « معلم » چه چیز هماهنگ یا ناهماهنگ است، مشکل می نماید. قسمت اعظم این امر به نوع مدرسه ای که در آن تدریس می کند، به نوع شاگردان وی و به موقعیت مکانی مدرسه بستگی دارد. تلقی معلمی به عنوان حرفه ای با ارزش و قابل مقایسه با حرفه های دیگر مستلزم آن است که افرادی که به این حرفه وارد می شوند و در آن فعالیت می کنند، دارای ضوابطی در سطح بالا باشند. به علاوه می بایست تعداد افراد شاغل در این حرفه بسیار زیاد باشد تا بتوان آن را با شاغلین حرفه های دیگر مقایسه کرد و حرفه ی معلمی بتواند از هر لحاظ با حرفه های دیگر مساوی باشد و به عنوان حرفه ای درجه ی دوم تلقی نشود (سرمد، ۱۳۷۳).

^{۲۲}. Masgero & Tailor

نقش های متعدد معلم در کلاس درس

همان طور که روشن است، معلمان در عمل گستره وسیعی از نقش ها را به عهده دارند. به عبارت دیگر « دامنه وظایف حرفه ای انجام شده توسط معلمان گسترده و فراگیر است اما مهم تر از همه این است که، ارتقاء یادگیری برای همه دانش آموزان در کانون و قلب نقش معلم قرار دارد» (دسوس^{۲۳} و همکاران، ۲۰۰۸). معلمان باید هم در محتوای خود اطلاعات زیادی داشته باشند و هم از رویکردهای تدریس برای تأمین نیازهای متعدد یادگیری هر دانش آموز در دامنه وسیعی دارای مهارت باشند. لذا باید به معلمان کمک کرد تا یاد بگیرند که به صورت هنرمندانه در کار دانش آموز مداخله کرده و دانش آموزان را برانگیزند، همه این ها آنچه را که دانش آموزان می توانند یاد بگیرند که انجام دهند تحت تأثیر قرار می دهد (فاینلی^{۲۴}، ۲۰۰۰).

معلم روانشناس

معلم زمانی می تواند بخوبی از عهده تدریس برآید که از اصول روانشناسی تربیتی آگاه باشد. یکی از وظایف روانشناسی تربیتی، بررسی و تحقیق درباره کارآمدترین و مؤثرترین شیوه تدریس است. معلم باید توانایی یادگیری و بکار بستن دانش، مهارت، اصول و نتایج حاصل از تحقیقات روانشناسی را در تدریس داشته باشد و قبل از شروع به تدریس، از خصوصیات جسمی و روانی دانش آموزان اطلاع حاصل نماید و مانند یک روانشناس در بررسی های خود به این مسئله پردازد که هر پدیده و رویدادی که در کلاس رخ می دهد، هر رفتاری که از دانش آموزان سر می زند، موفقیت ها، شکست ها، دوستی و دشمنی های آنان دلیلی دارد که باید درصدد کشف آن برآید. از آنجا که معلم با فکر و اندیشه و روح و روان شاگردان سر و کار دارد، باید مشکل آنان را بشناسد، در حفظ اسرار و جلب اعتماد و اطمینان آن ها بکوشد، مسائل و مشکلاتشان را ببیند و سعی کند علت مشکلات را بررسی و کشف نماید و به ویژه به دنبال عواملی باشد که شاگردان را از درون متحول کند و به فعالیت و کوشش مناسب وادارد. معلم در نقش روانشناس باید به خوبی آگاه باشد که ممکن است عده ای از دانش آموزان به دلایل مختلف در اضطراب و نگرانی و ترس و بیم به سر برند و در نتیجه به دنبال امنیت روانی هستند، از این رو باید تمام تلاش خود را به کارگیرد تا با ایجاد جوی مناسب در کلاس برقراری ارتباط صحیح به دانش آموزان آرامش ببخشد و اعتماد به نفس آن ها را افزایش دهد. معلم باید آگاه باشد که هر کدام از دانش آموزان از ویژگی های شناختی و عاطفی خاصی برخوردار هستند و در هر یک از دوره های تحصیلی نیازهای متفاوتی دارند و نکته آخر اینکه معلم باید بداند که مفهوم یادگیری چیست؟، چه ویژگی هایی دارد؟، چگونه حاصل می شود؟ و چه شیوه ها، عملکردها و راهکارهایی در فرایند یاددهی - یادگیری تأثیر بیشتری می گذارند؟

^{۲۳}. Dessus et al.

^{۲۴}. Finley et al.

معلم مدیر

از نظر معلم، مسأله مدیریت در کلاس همواره بعنوان یکی از مسائل پیچیده و دشوار تلقی می گردد، زیرا یکی از نگرانی های بارز معلم، اداره کردن کلاس و کنترل دانش آموزان است. از طرفی، اولیای دانش آموزان هم وجود نظم و انضباط در کلاس درس را در فرایند یاددهی - یادگیری بسیار مهم و با ارزش می دانند.

معلم بعنوان یک مدیر باید بتواند مجموعه ای از برنامه ریزی ها، راهبردها و اقدامات خود را به گونه ای در کلاس به کار گیرد که آموزشهای او به حداکثر کارایی و اثربخشی برسد. وجود نظم و انضباط، سکوت و آرامش در کلاس باعث می شود که اولاً سلامت روحی و روانی معلم و دانش آموزان حفظ شود و ثانیاً تدریس معلم به نحو بسیار مؤثری انجام پذیرد.

هنگامی که سرعت تدریس معلم مناسب و موضوعات درسی از ساختاری اصولی و منطقی برخوردار باشد، دانش آموزان در فراگیری دروس و مهارت ها انگیزه و رغبت بیشتری دارند، اما بر عکس، وقتی که سرعت تدریس معلم نامناسب و ارائه موضوعات درسی از نظم معینی برخوردار نباشد رشته کلام از دست معلم خارج می شود و ممکن است معلم مطالبی را ارائه دهد که برای دانش آموزان غیرقابل فهم ویا تکراری باشد. در چنین حالتی که کلاس فاقد اهداف و راهبردهای مناسب یاددهی-یادگیری است، اداره آن بسیار مشکل و زمینه ی مناسب برای بی انضباطی و هرج و مرج طلبی شاگردان فراهم می گردد. بنابراین، معلم برای جلوگیری از بی نظمی های کلاسی باید بر محتوای آموزشی و موضوعات درسی مسلط باشد و تمامی تلاش خود را در فعال نگه داشتن دانش آموزان به کار گیرد. یکی از روش هایی که معلم می تواند در جلب توجه شاگردان به موضوع درس و بحث های کلاسی از آن بهره گیرد، سؤال کردن از دانش آموزان در هنگام تدریس است به نحوی که آن ها را وا دارد تا در مورد سؤال فکر کنند و سپس پاسخ های خود را مطرح سازند. البته بهتر است که انتخاب دانش آموزان جهت پاسخ گویی به سؤالات تصادفی باشد، زیرا در این صورت همه آن ها گوش بزننگ خواهند بود که هر آن ممکن است از آن ها سؤال شود. بدین ترتیب شاگردان به خودی خود حضور فعال و همه جانبه در کلاس خواهند داشت. جو کلاس هم باید به گونه ای باشد که توانمندی، اطمینان، اعتماد به نفس و حضور فعال دانش آموزان را افزایش دهد.

کلاسی که دانش آموزان آن حق انتخاب داشته باشند، رهنمود و راهبردهای معلم دقیق و مشخص باشد و شاگردان بتوانند مهارت های زندگی را به خوبی فراگیرند، امکان بروز رفتارهای مخل بسیار کاهش یافته و زمینه ی بی انضباطی در کلاس به حداقل خواهد رسید.

خلاصه اینکه معلم باید بتواند ضمن تدریس، مدیریت مناسبی در کلاس خود داشته باشد، با دانش آموزان خود به راحتی ارتباط برقرار نماید و با ارائه تجربیات بسیار جذاب، آموزنده و مفید آنها را پیوسته خشنود، سر حال و آماده برای یادگیری نگه دارد.

معلم برنامه ریز

معلم به عنوان برنامه ریز باید به امور مربوط به تصمیم گیری درباره برنامه ریزی بویژه برنامه درسی علاقمند باشد و به هیچ وجه نباید بدون چون و چرا و بلاشرط خود را به کارهای شناخته شده و از پیش تعیین گردیده وابسته نماید. اهمیت معلم در اجرای برنامه درسی بسیار زیاد است، زیرا معلم باید بتواند شرایط و مسائل مربوط به برنامه درسی را به بهترین نحو به کار گیرد تا اهداف و نتایج مورد نظر تحقق پیدا نماید. «یک برنامه درسی پیش از آنکه برای دانش آموزان طراحی شود، باید برای معلمان طراحی شده باشد. اگر برنامه درسی نتواند معلمان را تغییر دهد، تعادل آن ها بر هم بزند، بر آگاهی آن ها بیفزاید و آن ها را به حرکت در آورد، قهرا هیچ گونه تاثیری بر کسانی که توسط آن ها تعلیم داده می شوند، نخواهد داشت» (برونر، به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۳۷۲). معلم برنامه ریز ضمن ارزیابی فعالیت های مربوط به برنامه ریزی درسی باید برنامه درسی را به نحوی به کار گیرد و در کلاس اجرا کند که با موقعیت کلاس و شرایط و خصوصیات شاگردان مناسب باشد.

هنگامی که معلم بتواند با توجه به نیازهای دانش آموزان و امکانات بومی و محلی موجود در مدارس انعطاف و دگرگونی لازم و مناسب را در برنامه درسی ایجاد نماید، فراگیرندگان راحت تر و با آمادگی بیشتری به یادگیری خواهند پرداخت. در این نوع برنامه ریزی معلم قادر خواهد بود که مفاهیم و موضوعات گوناگون و جدیدی را به شاگردان ارائه دهد. هر چه معلم بتواند از پیچیدگی های برنامه درسی بکاهد و بر میزان انطباق با آن شرایط و موقعیت های یادگیری دانش آموزان بیافزاید، موفقیت های بیشتری در یاددهی و آموزش بدست خواهد آورد. علاوه بر این، موقعیتی فراهم می شود تا اولیاء دانش آموزان نیز در امر تدوین برنامه درسی مشارکت داشته باشند و معلم به کمک آنها می تواند انگیزه های دانش آموزان را در فرایند یاددهی - یادگیری بیشتر برانگیخته نماید.

معلم هنرمند

بسیاری از افراد تدریس را هنر می دانند و معتقدند که معلمان باید بر تجربیات شخصی، احساسات و ارزش هایی متکی باشند که خارج از حیطه علم است (گلاور^{۲۵}، ۱۳۸۲: ۷). یک نقاش، نویسنده، شاعر، موسیقی دان، پیکرتراش، بازیگر و ... در هنگام کار فقط در فکر خلق یک اثر زیبا است و تمامی نیروهای جسمی و ذهنی خود را به کار می گیرد تا بتواند وظیفه هنری خویش را به عالیتترین شکل انجم دهد. معلم نیز باید هنرآفرین باشد و فراتر از هر هنرمندی به حرفه اش عشق بورزد و هنرمندانه آن را اجرا نماید و با زیرکی و موشکافی خاصی بتواند علایق، نیازها و توانایی های شاگردان خود را شناسایی کند و سپس فرایند آموزشی را بر اساس ویژگی های شخصیتی، استعداد، موقعیت و آمادگی آن ها تنظیم نماید.

^{۲۵}. Gelaver

ویژگی های معلم هنرمند

معلمی که هنرمند باشد، دارای ویژگی های زیر می باشد:

- ۱- خلاق است و می تواند مسائل و مشکلات کلاسش را با ابداع روش های تدریس و تهیه و تدارک وسایل آموزشی به خوبی حل و فصل نماید.
- ۲- از شیوه های ارتباط صحیح با دیگران و ایجاد روابط صمیمانه آگاه است و به همین دلیل خیلی سریع و آسان می تواند با دانش آموزان ارتباط برقرار نماید و جو کلاسش را مطلوب، پرمحتوا و آماده یادگیری نگه دارد.
- ۳- در کلاس درس بسیار حساس است و بطور قاطع و جدی عمل می کند و به آسانی می تواند در برخورد با دانش آموزان فرایند پاداش و تنبیه را به صورت هنرمندانه در شرایط و موقعیت های مناسب به کار گیرد.
- ۴- فعالیت ها و مهارت های متعددی را در کلاس ترتیب می دهد تا از بی انضباطی و رفتارهای نامطلوب شاگردان جلوگیری کند.
- ۵- به راحتی می تواند بر اوضاع و احوال کلاس مسلط شود، کمبودها و مشکلات شاگردان را بشناسد، راه حل های مناسبی ارائه دهد و با بکارگیری فنون و روشهای مناسب فرآیند یاددهی - یادگیری را با تجربیات و نیازهای دانش آموزان هماهنگ سازد، بطوریکه هر دانش آموزی با هر ویژگی و استعدادی که دارد به راحتی بتواند در جریان آموزش و یادگیری شرکت فعال داشته باشد و بر اساس ظرفیت ذهنی و روانی خود از محتوای آموزشی و مطالب درسی که توسط معلم ارائه می شود، استفاده نماید.
- ۶- کلاس او همواره کلاسی با نشاط و با طراوت است و دانش آموزان او از اطمینان، آرامش و اعتماد به نفس کافی برخوردارند.

معلم مدرس

تدریس یک فعالیت آگاهانه و برنامه ریزی شده است که به وسیله معلم در جهت نیل به اهداف و مقاصد خاصی طراحی و تدوین می شود. معلم باید در جریان تدریس، زمینه و شرایطی را برای دانش آموزان فراهم نماید، تا عمل یادگیری برای آنها آسان شود. روش تدریس معلم باید با اصول و اهداف آموزش و پرورش و ویژگی های دانش آموزان هماهنگ باشد تا بتواند ضمن جهت دادن به فعالیت های آموزشی خود، شاگردان را به سوی اهداف تعلیم و تربیت هدایت نماید.

معلم باید با خصوصیات رشد و احتیاجات فراگیرندگان در هر یک از دوره های تحصیلی آشنا باشد، زیرا هیچ معلمی نمی تواند بدون شناخت دانش آموزان از لحاظ رشد ذهنی، عاطفی، روانی، اجتماعی و ... در تدریس خود موفقیتی را کسب نماید.

معلم باید بر محتوای آموزشی و موضوع درسی که می خواهد برای دانش آموزان ارائه دهد، تسلط داشته باشد. توانایی و احاطه معلم بر محتوای درسی باعث می شود که دانش آموزان در فراگیری و آموزش با مشکلات کمتری مواجه شوند.

یکی از تلاش های بسیار مهم معلم قبل از تدریس مشخص کردن اهداف آن است زیرا هدف های آموزشی همان نتایجی هستند که قرار است دانش آموزان پس از پایان تدریس به آن دست یابند. گانیه^{۲۶} روانشناس معتقد است: مشخص نمودن هدف های آموزشی، یکی از ضروری ترین و مهم ترین کوشش های تربیتی به شمار می رود (پارسا، ۱۳۷۵: ۲۳).

معلم باید قبل از تدریس از آمادگی شاگردان خود اطلاع حاصل نماید. از روش هایی جهت تدریس بهره گیرد، که با موقعیت، نیازها و تجربیات دانش آموزان هماهنگ باشد. روند آموزشی و پیشرفت تحصیلی فراگیرندگان را با ارزشیابی های مستمر آشکار سازد. برای ارزشیابی باید از آزمون هایی استفاده کند که ضمن تشخیص ضعف های درسی دانش آموزان، آن ها را با هم مقایسه نکند.

معلم باید اطلاعات درستی از عملکرد شاگردان به آن ها بدهد. تا آنان از حدود و میزان فعالیت های درسی خود آگاهی داشته باشند. خلاصه آنکه معلم بعنوان یک مدرس، علاوه بر تسلط در رشته خود باید به آن علاقمند باشد، از شیوه های متعددی در تدریس استفاده کند، روش های مؤثر و راه حل های جدید را بیاموزد، در کار خود انگیزه و اعتماد به نفس داشته باشد و با دانش آموزان دلسوز و صمیمی بوده و خلاقیت آنان را افزایش دهد.

^{۲۶}. Gunie

فصل دوم

(دیدگاه های مکاتب در مورد معلم و تعلیم و تربیت)

از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به عنوان اثرگذارترین رکن مثلث یادگیری، مهم ترین نقشی که در نظام تعلیم و تربیت دارد، از جایگاه و رتبه بالایی برخوردار است. معلم در رشد و پرورش دانش آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می کند.

بطور کلی معلم مهم ترین عامل نظام آموزشی و فرآیند یاددهی - یادگیری است و نقش تربیتی و آموزشی او در هدایت دانش آموزان، بسیار روشن و بدیهی است. به همین دلیل مکاتب گوناگون فلسفی و تربیتی، دانشمندان، فیلسوفان و مربیان بزرگ، دیدگاه ها و نظرات مختلفی در مورد نقش و جایگاه و ویژگی های معلم طرح کرده اند که به اختصار به بعضی از آن ها اشاره می گردد.

ایدئالیسم^{۲۷}

ایده آلیست ها به معلم و مربی توجهی خاص دارند و معتقدند مربی باید از نظر عقلی و اخلاقی برتر و الگوی دانش آموزان باشند و محیطی ویژه را برای کودک فراهم کند و وظیفه ی مربی راهنمایی او به سوی حقیقت است. اصولاً از دیدگاه معلم پیرو مکتب ایده آلیسم: انسان چیزی را یاد نمی گیرد بلکه آن را به خاطر می آورد، یادگیری فقط یادآوری مطالب است. در این دیدگاه بر نقش محوری و حساس معلم تاکید زیادی می شود. و معلم باید برای خود به دیدگاهی فرهنگی دست یافته باشد. او باید فردی باشد که نقش های گوناگونی را در مجموعه ای از ارزش هایی هماهنگ تلفیق کرده باشد. معلم نباید در شخصیت شاگرد تصرف کند. ماهیت و شخصیت معنوی شاگرد از ارزش والایی برخوردار است. به این ترتیب، معلم باید برای شاگرد احترام قائل گردیده و او را یاری دهد تا از نظر شخصیتی کامل ترین فرد گردد. چون معلم الگو است، گزینش او کمال اهمیت را دارد.

دیدگاه مکتب رئالیسم برای معلم مقام ارجمندی قائل هستند و معتقدند که معلم مسؤول است که دانش آموزان را به فعالیت و تجربه و تعقل وادار کند. امکان بحث و انتقاد به ایشان بدهد و کنجکاوی آن ها را برانگیزد. در این مکتب، آنقدر برای معلم ارزش قائلند که می توان گفت معلم را محور تقویت و تعلیم می دانند. در این نظام فکری، معلم مسؤول آموزش مواد و موضوع های درسی است و باید انضباط کلاس را از طریق پاداش و کنترل و جلب توجه کودک و فعال نگهداشتن او برقرار و حفظ نماید.

^{۲۷}. Idealism

یک معلم از دیدگاه ایدئالیسم دارای خصوصیات زیر می باشد:

- (۱) معلمان علاوه بر بهره مندی از آموزش و پرورش همگانی، باید در تربیت دانش آموزان متخصص باشند.
- (۲) آنان باید بیشتر بر فعالیت کودکان تاکید کنند. برای آنکه شایسته سرمشق گیری دانش آموزان گردند.
- (۳) معلمان باید از ذوق زیبایی شناسی نیز بهره مند باشند.
- (۴) آنان باید مظهر ارزش ها باشند.
- (۵) معلمان باید شخصی با انگیزه و پر شور باشند.
- (۶) باید در فن خود متخصص بوده و معلومات کافی در مورد دانش آموزان خود داشته باشند.
- (۷) آنان باید بتوانند با دانش آموزان تفاهم و ارتباط برقرار کنند و روح دموکراسی را در شاگردان رسوخ دهند.
- (۸) معلمان باید به شخصیت شاگردان اهمیت دهد.
- (۹) علاقه به یادگیری را در دانش آموزان بیدار کند.
- (۱۰) باید از لحاظ معرفت و بینش، برتر از دیگران باشند.
- (۱۱) نیازها و توان های همه دانش آموزانش را به خوبی می شناسد.
- (۱۲) دانش آموزان را خلاق بار آورد.
- (۱۳) دانش آموزان را به تقلید از اشخاص بزرگ و برجسته تشویق می کند.
- (۱۴) می کوشد خصایص مطلوب را برای دانش آموزان الگو نماید.
- (۱۵) تفکر مستقل را با هدایت بحث کلاس در دانش آموزان تشویق می کند.
- (۱۶) رعایت ارزش های ثابت را در تصمیم گیری مورد تاکید قرار می دهد (چیناوی، ۱۳۹۰).

رناليسم^{۲۸}

معلم که در زمینه ماده درسی و روش تدریس دارای دانش و مهارت است، پرورشکاری حرفه ای است. معلمان باید هم در زمینه هنر ها و هم علوم لیبرال از تعلیم و تربیتی همگانی برخوردار شده باشند. مقصود از این تربیت همگانی کمک به معلمان است تا به افراد تحصیل کرده ای که روابط شاخه های مختلف معارف را با یکدیگر و با پرورش قوای عقلانی انسان درک می کنند، تبدیل شوند. علاوه بر بهره مندی از آموزش و پرورش همگانی معلمان باید در تربیت دانش آموزان متخصص باشند.

این مکتب برای معلم مقام ارجمندی قائل است و او را مسئول می داند که دانش آموزان را به فعالیت شخصی وادارد و امکان بحث و انتقاد را به ایشان بدهد و کنجکاوی ایشان را برانگیزاند.

^{۲۸}. Realism

در خصوص رابطه شاگرد و معلم بر نقش محوری و حساس معلم تاکید زیادی می شود. او باید شخصی باشد که نقش های گوناگونی را در مجموعه ای از ارزش های گوناگون تلفیق داده باشد. در این مکتب معلم موظف است از طریق وادار کردن دانش آموز به فعالیت از او بخواهد حقایق را به یاد بسپارد، مطالب مختلف را توضیح دهد و مقایسه کند. با کشف و تعبیر و تفسیر روابط، معانی و مفاهیم تازه پیدا کند. در این سیستم تربیتی، ارزشیابی بسیار مهم است و بایستی که در همه ی مراحل، آموزش با ارزشیابی توأم باشد و برای ارزشیابی از معیارهای عینی و آزمون ها استفاده شود. بعنوان انگیزش باید موفقیت های دانش آموز مورد تشویق و تقویت قرار گیرد و وسیله ای برای افزایش فعالیت های مطلوب در او شود.

ویژگی های معلم در مکتب رئالیسم:

۱. معلم مظهر یا نمونه ی کامل واقعیت برای کودک است .
۲. باید معلومات کافی درباره ی شاگرد داشته باشد.
۳. باید در فن خود متخصص باشد.
۴. باید طوری باشد که ستایش و احترام شاگرد را جلب کند.
۵. باید رفیق خصوصی هریک از شاگردان باشد.
۶. باید تمایل و شوق به یادگیری در شاگردان را بیدار کند.
۷. باید در فن زندگی استاد باشد.
۸. باید در تکامل شخصیت آدمی همکار خدا باشد. (معلم باید روح یا ذهن را که عالی ترین صورت وجود در جهان است کامل سازد).
۹. باید بتواند با شاگردان تفاهم و ارتباط برقرار کند.
۱۰. باید قدر و ارزش موضوعی را که تدریس می کند بداند و از این طریق شاگردان را به قدردانی از موضوعات درسی تشویق کند.
۱۱. خوب در ضمن تدریس شخصا چیزهای تازه را یاد می گیرد.
۱۲. باید سفیر پیشرفت و ترقی باشد.
۱۳. باید سازنده ی دموکراسی ها باشد.
۱۴. باید به تدریج خود را فراموش کند و به شخصیت شاگردان و رشد آن ها اهمیت دهد.
۱۵. معلم عامل انتقال میراث معنوی است.

طبیعت گرایی^{۲۹}

معلم در درجه اول کسی است که با طبیعت کاملاً هماهنگ باشد. معلمی که نقش تربیتی محیط طبیعی درک می‌کند، در طبیعت دخالت نمی‌کند بلکه با جذر و مد نیروهای طبیعی همکاری می‌کند. مهم آنکه با وقوفی که معلم نسبت به مراحل رشد و نمو آدمی دارد، دانش آموز را مجبور به یادگیری نمی‌کند بلکه یادگیری را از تحریک او به کاویدن و بالیدن از راه تعامل با محیط خویش، ترغیب می‌کند. ثانیاً معلم به عنوان پرورش دهنده ای که برای یادگیری دانش آموز عجله ای ندارد، فردی صبور، سهل انگار و بی آزار است.

در این مکتب طبیعت، بهترین معلم کودک است و سایر عناصر واسطه‌های تحقق پرورش طبیعی هستند. معلم فقط نقش راهنمای کودک را بر عهده دارد که کودک را به خودآموزی برمی‌انگیزاند. معلم باید از هر نوع تلقین افکار و نظریه‌ها و داوری‌های اخلاقی به دانش آموزان اجتناب کند (محمدیان، ۱۳۹۰).

دانش آموز موقعی یاد می‌گیرد که آماده باشد. معلم در مقام پرورش کار موافق روش کشفی است که طی آن محصل دانش را خود کشف می‌کند بی آنکه معلم نیابتاً آن را به وی ارزانی دارد. معلم که از خود شکیبایی زیادی نشان می‌دهد، نمی‌تواند حقیقت را به متعلم عرضه نماید، بلکه باید پا پس بگذارد و شاگرد را به خود اکتشافی ترغیب نماید. معلم کودک مدار بر خلاف شیوه‌های سنتی انتقال اطلاعات به ذهن شاگرد، به کمک راهبرد های غیر مستقیم به تدریس می‌پردازد.

یک معلم از دیدگاه طبیعت گرایی دارای خصوصیات زیر می‌باشد:

۱. معلم هماهنگ با طبیعت است.
۲. صبور و شکیبا است.
۳. با زور مطلبی به دانش آموز نمی‌آموزد.
۴. تحریک کننده یادگیری در دانش آموز است.
۵. سهل انگار و بی آزار است.
۶. انتقال دهنده ی معلومات نمی‌باشد.

دیدگاه رفتارگرایان

رویکردهای رفتارگرایان که معمولاً با عناوین تغییر رفتار یا تحلیل رفتار آمده است نقش تربیتی معلم را ایجاد تغییر در رفتار کودکان در کلاس می‌داند.

نظریه شرطی کردن عامل اسکینر^{۳۰} به منظور فراهم کردن زمینه‌های مناسب و راه‌های مطلوب در تغییر رفتار کودکان و دانش آموزان در محیط‌های تربیتی مورد استفاده فراوان داشته است. معلمان در همه جای دنیا به ویژه در

^{۲۹}. Naturalism

نقش تربیتی خود به عنوان تغییر دهندگان رفتار، از روش های مختلف اصلاح رفتار و متوقف کردن رفتارهای ناخواسته و مزاحم، چون بد خلقی ها و خشونت و دیگر رفتارهای نامطلوب و نیز افزایش دادن میزان وقوع رفتار های مثبت مانند اشتراک مساعی و همکاری با دانش آموزان بسیار استفاده می برند. رابرت سیرز^{۳۱}، به نقش الگو دهی معلم در جریان تربیت تاکید کرده است و معتقد است که کودکان در روند همانند سازی با فرد بزرگتر و نیز معلم و مربی است که رفتار های اجتماعی مناسبی کسب می کنند. در این راستا سیرز به اهمیت نقش معلم و فرد بزرگتر در تدارک فعالیت های بازی و کسب تجربه شخصی اشارات فراوانی دارد و نهایتاً نقش معلم در تربیت کودکان و دانش آموزان، فراهم آوردن زمینه های مناسب برای کنترل شخصی، همانند سازی مناسب و کسب الگو های جنسیتی مطلوب در آنان می داند. بنابراین رفتار گرایانی چون سیرز و اسکینر هر دو اهمیت محیط تربیتی را برای یادگیری مورد تاکید قرار می دهند. البته لازم به ذکر است اسکینر نقش فرد بزرگتر را به عنوان اداره کننده و یا کنترل کننده می داند تا یک راهنما. در اینجا همانگونه که گفته شد فرد بزرگتر صحنه را آماده می کند، تقویت کننده ها و تضعیف کننده های رفتاری را تعیین و رفتار قابل مشاهده ی کودک یا دانش آموز را اداره می کند. ویژگی های معلمان از نظر رفتار گراها:

- ۱- محور و مرکز یادگیری می باشند و آموزش به طور کامل کنترل شده است.
- ۲- محتوای یادگیری را به صورت آماده در ترتیب و توالی مناسبی (از ساده به پیچیده) ارائه می دهند تا یادگیری ارتقاء پیدا نماید.
- ۳- محیط یادگیری را به گونه ای سازماندهی می کنند که به بروز واکنش و رفتار مطلوب بینجامد.
- ۴- براساس هدف های رفتاری؛ آزمون های دقیقی تهیه می کنند و دانش آموزان نیز می توانند با توجه به درست یا اشتباه بودن پاسخ هایی که به سوالات آزمون می دهند؛ از نقاط قوت و ضعف خود در یادگیری آگاه شوند.
- ۵- استفاده از روش های مختلف از جمله زنجیره کردن، تقویت مثبت و منفی و.. برای ایجاد رفتارهای تازه یا افزایش رفتارهای موجود
- ۶- نادیده گرفتن فعالیت های ذهنی و یادگیری هایی که قابل مشاهده نیستند.
- ۷- تقویت پاسخ های مناسب دانش آموزان از طریق تشویق و تائید
- ۸- اعتقاد به مشخص، محدود، کم دامنه و قابل اندازه بودن محتوا و مواد آموزشی
- ۹- بهره گیری از سخنرانی و تمرین های هدایت شده در تدریس

پراگماتیسم^{۳۲}

معلم در این مکتب یک منبع ایجاد محیط یادگیری مناسب برای دانش آموزان است. اگر چه این مکتب به طور کلی دانش آموز محور است، لیکن تاکید زیادی روی نقش حساس معلم دارد و او را اسوه اخلاقی و فرهنگی می داند.

^{۳۰} Skinner.

^{۳۱} . Sears

^{۳۲} . Pragmatism

معلم بعنوان تکیه گاه به جای کارگردانی و میدان داری یادگیری آن را هدایت می کند. نقش معلم در درجه نخست راهنمایی متعلمانی است که به مشورت یا کمک نیازمندند. کارگردانی از نفس حل مسئله خاص ظهور می کند و هدف تربیتی به متعلم و نه به معلم تعلق دارد.

معلمانی که روش حل مسئله را بکار می برند باید در قبال شاگردان خود شکبیا باشند. هر چند که اعمال فشار می تواند دانش آموزان را می تواند مجبور کند تا به نتایج فوری دست یابند، احتمال دارد که این کار انعطاف پذیری لازم را برای مشکل گشایی در آینده محدود سازد. کنترل معلم بر موقعیت یادگیری به طور دلخواه باید غیر مستقیم باشد نه مستقیم. کنترل مستقیم، اعمال زور یا انضباط بیرونی به توسعه گرایش های درونی فرد نمی انجامد و به یادگیرنده کمکی نمی کند که به فردی خود گردان تبدیل شود.

معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مرتکب خطا شوند و پیامد اعمال خویش را تجربه کنند به این طریق احتمال اینکه دانش آموز خطاهای خویش را تصحیح کند افزایش می یابد. معلم نیز باید قوه تمیز و مهارت حرفه ای خود را بکار گیرد تا پیامد های کار برای دانش آموزان و همکلاسان او متضمن خطری نباشد. ویژگی های معلم در مکتب پراگماتیسم:

۱. معلم منبع ایجاد محیط یادگیری مناسب برای دانش آموزان است.
۲. معلم اسوه اخلاقی و فرهنگی دانش آموزان است.
۳. صبور و شکبیا است.
۴. معلم به دانش آموز اجازه ی می دهد، تجربه کند.
۵. معلم یک کنترل کننده ی غیر مستقیم در یادگیری است.

اگزستانسالیزم^{۳۳}

معلم و شاگرد بعنوان افراد انسانی در کلاس درس مستلزم تحقق موازانه ظریفی اند که هویت انسانی خویش را حفظ کنند. این بدان معنی است که معلم باید مدام از فرو غلتیدن در موقعیتی که در آن شاگردان بطور ساده بر مبنای سن، رتبه تحصیلی و منزلت یا عضویت گروهی تعریف شوند پرهیز کند. مضافا این بدان معنا است که محصلان نیز آگاه باشند که آنان نیز می توانند معلم را نه بعنوان شخص بلکه بعنوان عاملی که نقش های سرپرستی، آموزشی و نظارتی را بر عهده دارد تعریف کنند بعبارت دیگر، هنگامی که معلمان شاگردان را به شیئی تنزل داده و شاگردان معلمان را به انواع نقش پایین می آورند، تعادل ظریفی اگزستانسالیستی بر هم می خورد.

اگر چه مربی اگزستانسالیست ممکن است روش های تربیتی متنوعی را برای کار خود برگزیند نباید اجازه داده شود که هیچ کدام از این روش ها رابطه ی (من - تو) را که باید بین معلم و شاگرد وجود داشته باشد مخدوش سازد محاوره سقراطی روشی مناسبی برای معلمان اگزستانسالیست است.

^{۳۳}. Existentialism

معلم تلاش می کند که متعلم را ترغیب کند تا از طریق سؤالاتی در خصوص معنای زندگی به حقیقتی شخصی دست یابد و از این راه موجبات افزایش آگاهی او را فراهم سازد. در این مکتب معلم به دانش آموزان کمک می کند که انتخاب های خود را انجام داده و آگاهی های خود را افزایش دهند.

ویژگی های معلم در مکتب اگزیستانسیالیزم:

۱. معلم نقش سرپرست برای دانش آموزان دارد.
۲. معلم نقش آموزش دهنده برای دانش آموزان دارد.
۳. معلم نقش نظارتی دارد.
۴. معلم ارتقاء دهنده ی شخصیت دانش آموزان را دارد.

پست مدرنیسم^{۳۴}

تعلیم و تربیت پست مدرنیسم را می توان مطالعه و فهم بحران های جاری آموزش و پرورش در جامعه دانست. گرچه این تعبیر درست درباره ی پست مدرن را می توان پذیرفت که آموزه های آن فاقد هویت قطعی و دقیق است (آهنچیان، ۱۳۸۲: ۵۱). در پست مدرنیسم بر دانش آموز محوری تاکید خاصی شده است، بر اساس طرح آموزش انتقادی، سعی می کند تا دانش آموزان و سایر عناصر اداره کننده ی جریان آموزشی را به پیوند رابطه میان تجربه های شخصی خود، فعالیت های آموزشی کلاسی و دانشی ترغیب می کند.

این جریان فکری معلم را اندیشمندی رهایی بخش و روشنفکری تحول آفرین به شمار می آورد که مشخصه هایش شجاعت اخلاقی و نقادی است. او فراهم آورنده شرایطی است که خود و دانش آموزان تجربیاتشان را باز اندیشی کنند. روابط ظالمانه را بشناسند، بیان کنند و راه هایی نیز برای رفع آن ارائه دهند. در پست مدرنیسم معلمان، پیشکسوتان و راهنمایانی هستند که نقش هماهنگ کننده تجارب یادگیری را بر عهده دارند. نقش آن ها بیشتر آموزش "چگونه یاد گرفتن" به دانش آموزان است. آن ها در انگیزه دهی، تسهیل جریان یادگیری و تسهیل خلاقیت دانش آموزان نقش اساسی دارند. در پست مدرنیسم دانش آموزان و معلم با هم یاد می گیرند (فرمینی، ۱۳۸۳).

یک معلم از دیدگاه پست مدرنیسم دارای خصوصیات زیر می باشد:

(۱) معلم رهایی بخش و اندیشمندی تحول آفرین است.

(۲) شجاع است.

(۳) نقاد می باشد.

(۴) هماهنگ کننده تجربیات است.

(۵) انگیزه دهنده هست.

(۶) خلاق می باشد.

(۷) تسهیل کننده ی یادگیری است.

^{۳۴}. postmodernism

فصل سوم

(بررسی ویژگی های معلم در ابعاد مختلف)

ویژگی های معلم در قرن ۲۱

در فضای آموزشی قرن ۲۱ مقوله های سرعت، دقت، مهارت و اطلاعات و فناوری های نوین مطرح است. در این فضا، کلاس درس، تحت عنوان سلف سرویس عمومی و مدرسه، تحت عنوان جمهوری دانش نام می گیرد که از استانداردهایی خاص پیروی می کنند که باید در به کارگیری آن ها دقت های لازم اجرائی ویژه لحاظ گردد. لذا وجود خصوصیات و شرایط لازم در فرایند یاددهی- یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی های فراگیران می باشد، طبق استاندارد سازی یعنی تعیین آنچه که باید انجام شود و اجرای آن، باید به بهترین وجه ترسیم شود. در این فضای آموزشی عقیده بر این است که به منظور تدوین استانداردها بالاخص در یک کلاس و فضای آموزشی باید برنامه و نیازهای فراگیران لحاظ گردد. محیط آموزشی لازم است با تکنیک های جدید آموزشی آراسته گردد، زیرا عقیده بر این است که انطباق های خلاق پویا به طور مؤثری در فضای کیفی آموزشی تأثیر دارد. انطباق های خلاق می توانند برنامه های درسی را به یکدیگر مرتبط کنند و مفاهیم عینی- ذهنی را عینی تر سازند و برخی درس ها و محتواها در فضای مناسب که بر اساس استانداردها غنی شده اند بر یادگیری تأثیر به سزایی دارد .

در آستانه ی قرن بیست و یکم در حوزه ی آموزش و پرورش با توجه به سطح انتظارات افکار عمومی، نسبت به برون دادهای فعلی نظام تعلیم و تربیت کاستی های قابل توجهی احساس می شود. از طرفی تغییرات سریع به وجود آمده در عرصه های مختلف و تغییر نیازمندی های جامعه، بروز حرف و مشاغل جدید، همگی ضرورت بازنگری در فرایند آموزش و پرورش را فراهم کرده است. در نگرشی سریع به آموزش و پرورش برای جلب اعتماد عمومی، تربیت معلم شایسته مطرح می باشد. لذا پرداختن به برنامه ی آموزشی در آموزش و پرورش که بخشی از آن معلمان خلاق و شایسته می باشند ضروری به نظر می رسد. باید توجه داشت که برنامه ریزی آموزش و پرورش قبل از این که بر شاخص های کمی استوار باشد تاکید بر کیفیت دارد لذا باید برنامه های پیش بینی نشده در جهت بهبود کیفیت آموزش و در راس آن معلمان به عنوان مجریان اوامر آموزشی باشد و فرایند تصمیم گیری ها باید بر اساس یک الگوی مشخص و هدفمند صورت گیرد. ضمن این که آموزش و پرورش ما در حال حاضر با بسیاری از جوامع تطبیق داشته است ولی برای رسیدن به اهداف متعالی سازمان و رسیدن به استانداردهای لازم نیاز به بازبینی و چاره اندیشی دارد و این بازبینی می بایست در سطوح مختلف نظام آموزشی و علی الخصوص در بازنگری روش آموزش در مقاطع مختلف صورت پذیرد.

از آنجایی که قرن بیست و یکم، قرن اطلاعات، ابتکار و مهارت و سرعت می باشد بنابراین ویژگی های معلم در این قرن بر اساس این اصول می باشد.

الف) اطلاعات

ویژگی معلم، بالا بردن اطلاعات و به روز کردن آن است. در بحث اطلاعات (برنامه ICT فناوری اطلاعات) جایگاه ویژه ای دارد که به آن می پردازیم .

۱- آشنایی فناوری آموزشی: برای کسب موفقیت در قرن بیست و یکم، معلمان باید دانش آموزانی تربیت کنند که یادگیرندگان مادام العمر باشند و این مسیر نمی گردد مگر این که فرایند یادگیری مبتنی بر انتقال صرف دانش تغییر پذیرد بنابراین معلمان باید با استفاده از کامپیوتر و اینترنت و کاربرد آن ها تدریس واقف باشند و دانش آموزان را نیز به این امر ترغیب کنند. فناوری اطلاعات به ما می گوید آن چه که تا دیروز درست بوده امروز ممکن است نادرست و حتی گمراه کننده باشد، بنابراین معلمان با استفاده از این تکنیک باید معلمانی محقق و پژوهشگر باشند و دانش آموزان پرسش گر امروز و پژوهشگر فردا تربیت کنند .

۲- آشنا با استانداردهای جهانی کیفیت کار

۳- بالا بردن اطلاعات عمومی: معلم قرن بیست و یکم در همه ی زمینه ها اطلاعات خود را بالا ببرد نه فقط در زمینه ی رشته ی تدریس خود چرا که بسیاری از علوم به هم وابسته اند. اصطلاحات رایج روز را بشناسد، امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامع خود را بداند و در نهایت به علم روان شناسی آگاه باشد چرا که یک معلم بیش از معلم بودن خود باید یک روان شناس آگاه و خبره باشد .

۴- تدریس نوین: استفاده از روش تدریس فعال و همگام با روز، روش هایی تدریس معلم را ویژگی خاص می بخشد عبارتند از: روش همیاری، روش تدریس فعال، روش بارش مغزی، روش ایفای نقش، روش نمایشی، روش بحث گروهی، روش حل مسئله، روش استقرایی، روش اکتشافی. تمامی این روش ها را می شناسد و می داند که هر یک را در چه درسی و در چه کلاسی به کار گیرد و به تعبیری تدریس او مبتنی بر استانداردها است و تدریس بر اساس استاندارد نوعی بهبود فرایند کار در آموزش و پرورش است .

۵- شرکت در دوره های ضمن خدمت: معلم همیشه خود باید در حال فراگیری علم باشد و اطلاعات جدید و نو را بگیرد، در طول کار خود همیشه یکسان تدریس نکند و نکات را از جهات مختلف و زوایای متعدد بیان کند. لازمه ی این کار، شرکت در دوره های ضمن خدمت آموزش معلمان است .

۶- آشنایی با اصول روانشناسی تربیتی: از آنجائی که معلم در طول تدریس خود نیاز به ارتباط مقابل دارد، بنابراین باید مخاطبان خود را شناسایی کند. بداند در چه شرایطی زندگی می کنند، تا حدی از خانواده آن ها مطلع باشد. در این صورت می تواند پیام های یاددهی خود را شفاف منتقل سازد .

۷- داشتن طرح درس: معلم، باید زمان تدریس خود را حساب کند کتاب مورد تدریس را با طرح درس سالانه، بودجه بندی کند و همچنین طرح درس روزانه، داشته باشد و اطلاعاتی کافی و جامع درباره ی مراحل طرح درس نویسی داشته باشدف ارزشیابی تشخیصی، تکمیلی، پایانی را بداند و در مراحل تدریس خود به کار بندد. هدف های جزئی و کلی و هدف های رفتاری را شناسایی کند. حیطه های آموزشی (دانش، درک و فهم، کاربرد، ترکیب قضاوت) را بداند و در طرح ریزی سؤالات و ارزشیابی های مستمر خود که در طرح سالانه خود در نظر گرفته است اعمال نماید.

(ب) ابتکار

دومین ویژگی قرن بیست و یکم، قرن ابتکار بود که در این زمینه، معلم باید دارای ویژگی های زیر باشد:

۱- خلاق است: معلم قرن بیست و یکم در این رابطه ی خود خلاق است، دست به شیوه های جدید می زند و دانش آموزان را نیز خلاق با می آورد هر اندازه دانش آموز از نظر اطلاعات، غنی تر باشد. انگیزه ی خلاقیت که در نهاد او بالقوه وجود دارد به فعلیت می رسد و این صورت نمی پذیرد مگر این که معلم و راهنما خودش، آراسته به صفت خلاقیت باشد .

۲- ایجاد دنیای پرسش در کلاس: معلم مبتکر، کسی است که همیشه سؤالی برای مطرح کردن در کلاس داشته باشد و حس انگیزه ی کنجکاوی دانش آموزان را تحریک کند. آنان را به فعالیت و جنبش وا دارد. (در کلاس مرده و خسته کننده، مرتباً دیدگان دانش آموزان فقط به عقربه های ساعت می باشد)، را روشن سازد و عشق یادگیری فنون جدید را در آنها زنده کند .

۳- ایجاد دنیای تخیل در کلاس: معلم مبتکر به تخیل دانش آموزان احترام می گذارد. یک انشای نو یا یک نقاشی غیر عادی را به مسخره نمی گیرد، از جنبه ی خلاقانه و مبتکرانه به آن می نگرد زیرا تخیل است که خلاقیت و ابتکار را به دنبال دارد .

۴- واهمه نداشتن از شکست: معلم مبتکر در به کارگیری مسائل از هیچ گونه شکستی نمی هراسد بلکه قوی و استوار می ایستد، طرح های خلاق خود را آزمایش می کند و جواب و نتیجه را می گیرد و به همه منعکس می کند .

۵- خطرپذیری: معلم مبتکر در راه خود هر گونه خطری را می پذیرد اعم از خطرات مالی یا غیر مالی، زیرا به هدفش امیدوار و معتقد است .

۶- قدرت تغییر پیش فرض ها: معلم مبتکر پیش فرض های جدید ارائه می دهد و به یک مسئله از زوایای مختلف می نگرد، پیش فرض های قدیمی برای او جالب نیستند، می اندیشد در ذهن خود (چرا) پروری ذهنی ایجاد می کند و پیش فرض ها را تغییر می دهد، تجربه می کند، می آزماید تا بالاخره روشی جدید و طرحی نو در اندازد .

۷- تشخیص پیش نیازهای دانش آموزان: یکی از زمینه فعالیت های معلم این است که از کجا شروع کند و پیش نیاز فراگیران او چیست؟ نقطه ی شروع مبتکر سنتی و معمولی نیست، بهترین نقطه ی شروع را به کار می بندد، گاهی با طرح سؤالی نوین با آوردن وسیله ای سؤال برانگیز و ...

۸- درمان ناتوانایی های یادگیری: معلم مبتکر دانش آموزان ناتوان را شناسایی می کند و به درمان آنها می پردازد. معلمی که با دانش آموزان یک دست خلاق و توانا کار کند، ابتکار خاصی شاید نتواند در کار خود به کار بندد، اما معلم مبتکر کسی است که با به کار بردن روش های جدید آموزشی به دانش آموزان ناتوان کمک کند.

۹- شناخت تفاوت های فردی: معلم مبتکر به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه دارد. می داند به هر کدام چه مسئولیتی بدهد و در چه زمینه ای آن ها را خلاق بار آورد و استعداد های نهان آنان را در چه رشته ی تحصیلی بارور سازد .

(ج) مهارت و سرعت

مهارت و سرعت است که معلم باید دارای ویژگی های زیر در این مقوله باشد .

۱- مهارت های فردی: شامل قدرت طرح ریزی مدل ذهنی، به کارگیری اصول منطقی در تدریس، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل قدرت تصمیم گیری .

۲- مهارت های ارتباطی: مهارت های ارتباطی معلم شامل ویژگی های: کنترل احساسات، فن بیان، به کار بردن شعر و امثله در تدریس و گزارش دهی صحیح می باشد .

۳- مهارت در تدریس: بیشترین تأثیر در اثر بخشی کار معلمان، مهارت در تدریس و اطلاع از دانش تدریس است و ارتباطی خاص بین دوره کارآموزی و عملکرد معلمان وجود دارد، معلم قرن بیست و یکم باید با فنون جدید تدریس آشنا باشد و آنها در تدریس خود به کار گیرد .

۴- استفاده از وسایل کمک آموزشی (تکنولوژی آموزشی): یکی از مقوله هایی که به مهارت و سرعت تدریس معلم کمک می کند به کار بردن وسایل کمک آموزشی در امر تدریس می باشد به ویژه در دوره مقطع ابتدایی .

۵- مهارت تفکر انتزاعی: معلمانی که تفکر انتزاعی بالایی دارند می توانند با دیدهای متفاوت به یک مسأله یا مشکل بنگرند (از دید خودشان، دانش آموزان، مشاوران، مدیران، اولیاء و ...) بنابراین می توانند راه حل های متفاوتی ارائه دهند و درباره ی مزایا و معایب هر برنامه، فکر و بهترین راه را انتخاب کنند و اگر نتایج پیش بینی شده، تحقق نیابد مشتاقند که برنامه را تغییر دهند. در هنگام برنامه ریزی مشکلات اضافی را می توانند حدس بزنند و قبل از این که مشکل روی دهد به طور منظم و اصولی پیشگیری هایی را تدارک ببینند، مهارت تفکر انتزاعی باعث می شود معلمان در امر یاددهی موفق تر باشند .

۶- مهارت تجزیه و تحلیل مسائل: این معلمان سطح تفکر انتزاعی فوق العاده بالایی دارند. در حوزه ی کلامی از هوش زیادی بهره مندند، سرشار از اندیشه های عالی هستند. درباره ی موضوعات گوناگون به روشنی بحث

می کنند، می دانند انجام چه کارهایی لازم است و چه کارهایی ضرورت و اهمیت ندارد. نکته ای که قابل ذکر است این که هر چند در قرن بیست و یکم تحولات جهانی و واژه ی سرعت اطلاعات، ابتکارات، مفاهیم کلیدی و خاص می باشند اما ویژگی های معلم در فرهنگ دینی ما همیشه جای خود را دارد که در کنار ویژگی های قبلی اهمیت فراوان و به سزایی دارد چرا که هدف از تعلیم و تربیت فراگیران تنها در زمینه ی علم نیست بلکه تربیت و پرورش دینی و رشد خصوصیات اخلاقی بسیار مهم است که در این جا به ویژگی های اخلاقی معلم در قرن بیست و یکم می پردازیم.

(د) ویژگی های اخلاقی

۱- مراعات آداب و رسوم اجتماعی: بسیاری از سعادت های اجتماعی مرهون ادب و مراعات آداب و رسوم اجتماعی است و به بهانه ی پیشرفت علم و تحولات و جهانی شدن نباید معلم که الگوی اخلاق برای دانش آموزان خود است آداب و رسوم اجتماعی خود را کنار گذارد، حصارها را بشکند و حریم عفت و پاکدامنی جامعه را کنار نهد .

۲- نشاط و شادابی: معلم باید به هنگام ورود به کلاس، مشکلات زندگی خود را که ناشی از تغییر و تحولات جامعه اش می باشد نظیر تورم، گرانی، بیماری ها و ... همه را کنار گذارده و با روحیه ی شاداب و پرنشاط پا به دنیای کلاس نهد. اگر بی نشاطی، کسلی، افسردگی بر او غلبه کند موجب انتقال آن به دانش آموزان نیز می شود(رشد تکنولوژی، ۸۲).

۳- آراستگی ظاهر: هر چند در قرن بیست و یکم سرعت، اهمیت ویژه ای می یابد و زمان و فرصت به حداقل می رسد اما معلم باید فرصت رسیدن به ظاهر را به خود بدهد و با ظاهری آراسته وارد کلاس شود. رسول اکرم (ص) قبل از خروج از منزل، مقابل آئینه می رفته و ظاهر خود را مرتب می کرده است و در جواب این سؤال که چرا تا این اندازه به این موضوع اهمیت می دهند می فرمودند: نمی خواهم باعث غیبت مردم شوم. معلم باید از رسول اکرم (ص) که الگو و اسوه ی اخلاق است درس بیاموزد .

۴- سعه ی صدر: اگر معلم در عصر تحولات و تغییرات، رفتارهایی خاص از دانش آموزان خود دید باید با سعه ی صدر با آن برخورد کند، دریا دل باشد و توانایی پشت سر گذاشتن هیجان های ناشی از پیشرفت در دانش آموزان خود را داشته باشد زیرا با سعه ی صدر، بسیاری از مشکلات حل می شود (رب اشرح لی صدری ... و یسرلی امری (سوره طه، آیه ۲۵) با سعه ی صدر می توان استعداد درونی فراگیران را شناخت و آن ها را شکوفا کرد .

۵- اخلاص: بارزترین ویژگی معلم در عصر شکوفایی علم، اخلاص است. مدرسه، درس، کلاس، رفتار، گفتار همه باید بوی اخلاص بدهد. اگر به دنبال آموزش های جدید و تکنیک های جهانی است نباید به خاطر ریا و رخ کشیدن خود و خودنمایی باشد، بلکه باید اخلاص در کار داشته باشد و تنها خود را نبیند بلکه هدفش پیشرفت جامعه و تعالی

آن باشد و اگر اکسیر اخلاص در کار معلم نباشد هر چند در زمینه ی علمی، معلمی موفق باشد اما ارزش معنوی نخواهد داشت .

۶- شخصیت دادن به دیگران: معلم موفق در قرن بیست و یکم، کسی است که علاوه بر این که خود متشخص است برای دیگران اعم از دانش آموزان یا همکاران ارزش و شخصیت قائل است و با سخنان کنایه آمیز نباید دیگران را برنجانند، بلکه باید راهنمای بقیه در راه یابی به موفقیت ها باشد دیگران را تحقیر و در جمع سرزنش نکند ((ویل لکل همزه لمزه)) زیرا باعث عقده و کینه در وجود شخص می شود و آتش انتقام را شعله ور می سازد .

۷- تعهد در کار: اگر معلم همگام با جامعه پیشرفت کرد و بر تمامی زوایای علوم و فنون جدید دست یافت اما در کارش به خصلت تعهد آراسته نگشت، جز زیان و خسران برای جامعه اش ارمغان دیگری نخواهد آورد. تعهد کاری موجب درست استفاده کردن از اطلاعات علمی می شود، راه بکارگیری صحیح آنها را به معلم می نمایاند و گرنه علم در خدمت نسل کشی و تباهی جوامع می شود؛ همان طور که این وضعیت در غرب حاکم است .

۸- تقوا: ویژگی های اولیه و مسلم برای قرن بیست و یکم، تقوا است. اگر معلم آراسته به خوی و خصلت تقوا نباشد، نسلی که تحت تعلیم و تربیت او می باشند عاری از این صفت خواهند بود و کسی که تقوا نداشته باشد تحت تأثیر فرهنگ های مخرب قرار خواهد گرفت و پدیده ی تهاجم فرهنگی را با استقبال خواهد پذیرفت و یا این که دچار غرور علمی کاذب می گردد .

۹- وظیفه شناسی: معلم قرن بیست و یکم، دارای خصلت وظیفه شناسی است. از زیر بار مسوولیت به بهانه های مختلف نمی گریزد، تأخیر در کار ندارد، در کلاس درسش اتلاف وقت نمی کند، کم کاری در برنامه اش مفهوم ندارد و حتی گاهی بیش از وظیفه نیز کار انجام می دهد و ایثار می کند، فقط به کار از جنبه ی مالی و سود مادی نمی نگرد و در حین انجام وظیفه اش چشم داشت به تعریف، تمجید یا پاداش و تشویق خاص و ... ندارد .

۱۰- رأفت و مهربانی: معلم قرن بیست و یکم، مهربان است و با این صفت کودکان و نونهالان را به خود جذب می کند، پرخاشگر و تندخو و عصبانی نیست، زمینه را برای هر گونه پرسش و سؤال فراهم می کند، اجازه می دهد به راحتی دانش آموزان با او گفتگو کنند، مشکلات درسی یا غیر درسی خود را بازگو کنند .

۱۱ - نگرش و بینش صحیح: معلم قرن بیست و یکم، نگرشی درست و مثبت از مسائل دارد. مسائل جدید و نوآوری ها را با دید مثبت می نگرد که روحیه رقابت جویی را در او تقویت می کند نه این که کاستی های او را به رخ کشد، در تجزیه و تحلیل این نوآوری ها قوی و قدرتمند است و آنها را مغتنم می شمارد و به خوبی استفاده می کند (افروز، ۱۳۸۹).

۱۲ - تقدم منافع جامعه نسبت به منافع خود

ویژگی های معلم در ابعاد چندگانه

الف) ویژگی های معنوی و اخلاقی

به طور کلی معلم باید در زمینه اخلاص که مهمترین عامل برای معلمی که می خواهد کارش برای جامعه مفید و پربرکت باشد، داشته باشد. اخلاص آن است که برای خدا انجام شود و مدرسه و کلاس و گفتار و کردارش همه و همه رنگ خدایی داشته باشد و در این حالت کلاس او علاوه بر اینکه مکتب و مسجد است، کارش بهترین کارها و افضل عبادات در اسلام است. به فرموده قرآن شریف:

« صبغه الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عبدون » (قرآن مجید، سوره بقره: آیه ۱۳۸).

اما عامل دیگر ایمان به خداوند در محیط آموزشی انگیزش و پیگیری وجدیت در کار را زیاد می کند. ایمان باید در دل و جان رسوخ کرده و یقین به لطف پروردگار را همراه داشته باشد.

برای ایمان قلبی از سوی علمای علم اخلاق سه درجه ذکر شده است:

۱- علم یقین: در این مرتبه از ایمان قلبی، شخص دورنمایی از مبداء و معاد را می بیند و ایمان در دلش رسوخ کرده است.

۲- عین یقین: در مرتبه قلبی، فرد تنها از دور دستی بر آتش داشت ولی اینک در کنار آتش است و گرمای آن را حس می کند. این بدان معنی است که شخص توانسته است صفات رذیله را از میان بردارد و خود را ملبس به صفات انسانیت نماید. به دیگر سخن، ملکه تقوی و عدالت برای او حاصل شده است و در این مرحله نور خداوند در دل او تابیده می شود.

۳- حق یقین: سومین و عالی ترین مرتبه را حق یقین نامیده اند و در چنین مرحله ای است که خانه دل، صاحبخانه را می یابد و آدمی در خود آتش واقع می شود. اینکه گفته می شود: قلب المومن عرض الله منظور همین مومن است، یعنی کسی که در مرتبه ای از ایمان واقع شده است که خداوند تبارک و تعالی خانه خود را درون قلب او قرار داده است.

سوالی که قابل طرح است این است، که ایمان قلبی چگونه حاصل می شود؟

دستیابی به ایمان قلبی در گرو سه عامل است:

اول) تقلید به ظواهر شرع است. مقید بودن به ظاهر شرع و دین، و اهمیت دادن به واجبات، خصوصاً نماز که عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. معلم باید در مقابل اوامر شرع مطیع باشد و به آن ها اهمیت دهد.

دوم) اجتناب از گناه است. یعنی دوری جستن از تمام اموری که در شرع نهی شده است. گناه آتشی است که ایمان را هر چند رسوخ کرده در قلب باشد از ریشه می سوزاند و قساوت قلب در پی دارد، بنابراین باید شدیداً از آن پرهیز کرد.

سوم) به جای آوردن مستحبات است. معلمین باید مستحبات دینی را تا اندازه ای که کار و زندگی ایشان فدا نشود برپا دارند. در این ارتباط اهتمام در خدمت به خلق خدا که والاترین مستحبات است، جایگاه ویژه ای دارد. از ویژگی دیگر عامل رافت و مهربانی است که معلم باید بیش از همه چیز رثوف و مهربان باشد. صفت مهربانی برای مسلمانان یک فضیلت است، چرا که در قرآن شریف صفت مومن را همین رافت و مهربانی بیان نموده است. در صفات خداوند، صفتی بالاتر و بهتر و نورانی تر از رافت نداریم، لذا در قرآن شریف اول صفتی که برای پروردگار آورده شده است و یکصد و چهارده مرتبه نیز تکرار گردیده است همین صفت است. از ویژگی دیگر مراعات آداب و رسوم اجتماعی است. معلم باید مراعات آداب و رسوم اجتماعی را بنماید چرا که بسیاری از سعادت های اجتماعی مرهون ادب و مراعات آداب و رسوم اجتماعی است و در زندگی رمزی است برای توفیقات. یک معلم تا خود مودب نباشد قادر نخواهد بود شاگردانی مودب تحویل جامعه بنماید.

(ب) ویژگی های روان شناختی

بدیهی است که انسان های فرهنگی در سطوح عالی برای اخذ تصمیم نیازمند آگاهی، دانش و فهم صحیح از اصول و مبانی فرهنگی می باشند تا بتوانند در سازمان و فعالیت های فرهنگی زمینه و سازو کارهای تحقق آن ها را فراهم آورند و بر اساس آن تصمیم بگیرند. صفات و ویژگی های روانشناختی در سه عنوان کلی شامل:

۱- ویژگی های شناختی

آموزش و کار معلمی، به لحاظ ماهیت پیچیده و وسیع آن، نوعی خاص از طرز تفکر و تجربه و قوای ذهنی و همچنین گونه ویژه ای از شناخت و معرفت را لازم دارد. از جمله:

- مکتب محوری و ولایت مداری

- شناخت فرهنگ دینی، ملی و سازمان

- دشمن شناسی

- جامع نگری و آینده نگری

- اعتقاد به کارآمدی فرهنگ اسلامی و...

۲- ویژگی های عاطفی

- احساس تعلق به فرهنگ اسلامی و انقلابی

- انگیزه و روحیه خدمت رسانی

- همدلی و همزبانی

- خوشبین و مثبت نگری و...

۳- ویژگی های رفتاری

رفتار معلمین انعکاس تمایلات و اندیشه های آنان و محل قضاوت و ارزیابی دیگران است . ویژگی های رفتاری متمایز و برجسته ای چون :

- گشاده رو و آراسته

- با نشاط و چالاک

- حسن سابقه

- الهام بخشی و...

ج) ویژگی های حرفه ای و تخصصی

تعهد به همراه تخصص ، که هیچکدام آن ها به تنهایی کافی نیست . هر کس کاری را قبول می کنند باید مدیر و متخصص باشد . در زمینه دانش و مهارت معلم در زمینه های زیر:

- دانش در مورد رشد و رفتار انسان

- دانش در مورد یادگیری انسان

- دانش در مورد موضوع درسی

- دانش در مورد برنامه درسی

- دانش در مورد روش های تدریس و مهارت در کاربرد آن ها و ... (حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۸۱-۶۳).

شایسته است معلمان در افزایش قدرت انطباق معلم و دانش آموزان موارد فوق را لحاظ نمایند. شیوه های خدمت رسانی مطلوب بر اساس تقویت فرهنگ اسلامی در آموزش و پرورش آنچه که مسلم است آگاهی از نقش قوانین و مقررات مدرسه و دوران تحصیل و درک ارزش ها و هنجارها و اخلاقیات جامعه در کنار محیط آموزشی سالم مدارس و اولیاء مربیان مدارس، ابزاری مهم جهت پیشبرد نهضت خدمت رسانی به مردم محسوب می گردد . گام نخست در خدمت رسانی به مردم ، همسویی والدین دانش آموزان و اولیاء مربیان مدارس جهت ایجاد بستری مناسب در راستای برقراری رابطه ای منسجم و شفاف در تعامل با یکدیگر است که در این مرحله نقش آموزش صحیح و توجه به سیر تکاملی و پیشرفت و تعالی نظام آموزشی مطرح می گردد . زیرا نظام آموزشی با تکیه بر این سه الگو(والدین ، دانش آموزان ، اولیاء مدارس) در جهت تامین مصالح و منافع ملی جامعه گام بر می دارند و بدون آن غیر ممکن به نظر می رسد.

بنابراین رویکرد اکنون نظام آموزش و پرورش ما متناسب و پاسخگوی نیازهای فعلی جامعه نیست . با چنین رویکردی نمی توان افق و چشم اندازی روشن را برای آینده نظام آموزشی و ارتقاء سطح تعلیم و تربیت جامعه ترسیم کرد.

معلم نمونه درآموزه های قرآنی

در هر مکتبی برای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت از روش های خاص آن مکتب استفاده می شود. در دین مبین اسلام که دستورات جامع و کامل آن در قرآن، این کتاب همیشه جاویدان، آمده است؛ روش ها و نکته هایی که در رسیدن به اهداف مقدس تعلیم و تربیت که بزرگترین این اهداف: «انسان سازی» است، بیان شده است که با دقت و تدبیر در آیات قرآن کریم و رجوع به احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه، می توان این روش ها و نکته ها را به خوبی دریافت و به کار برد تا هدف اصلی و اساسی تعلیم و تربیت یعنی انسان سازی محقق گردد. تعالیم روح بخش اسلام در کلیه شئون زندگی براساس فطرت که بهترین راهنمای انسان هاست، می باشد و لذا مربیان و معلمان با بهره مندی از این تعالیم می توانند تربیتی محکم و استوار برای کودکان و نوجوانان که آینده سازان جامعه اسلامی هستند، به ارمغان بیاورند. جوامع بشری امروزه از لحاظ علم و صنعت و اختراع و تکنولوژی بسیار پیشرفته و هر روز با کشف جدیدی سعی می کند از تکنولوژی روز در بهتر زیستن خود کمک بگیرد اما در کنار این پیشرفت مادی و علمی از لحاظ اخلاقی و معنوی بتدریج سقوط می کند و نمی تواند راهنمای موفقی برای بشر به سوی کامیابی و سعادت باشد اما فرهنگ اسلامی به گواهی تاریخ، صلاحیت رهبری و ارشاد بشریت را دارد و کتاب مقدس و آسمانی قرآن این مسئولیت خطیر را بر عهده دارد.

قرآن که کتاب عمل است، همان کلید سعادت است که از اوایل قرن هفتم میلادی در اختیار بشر قرار گرفت و در مدت کمتر از صد سال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا (اسپانیا) را تحت نفوذ خود گرفته و جهانی نوین آفرید. «علامه اقبال لاهوری» نقش قرآن و نفوذ آن در میان مردمان را چنین بیان می کند:

نقش های پاپ و کاهن را شکست

نقش قرآن چون که بر عالم نشست

این کتابی نیست، چیزی دیگر است

فانش گویم آنچه در دل مضمر است

«گوستاو لوبن^{۳۵} فرانسوی» می گوید: «هر نوع سیستم تربیت جدیدی برای بشر سه دوره لازم دارد تا به تدریج از آن بهره مند شوند و در پایان امر برای نسل سوم ثمربخش شود ولی قرآن چنان کتابی است که آثار تربیتش را در همان نسل اول به حد کمال نشان داد، امتی را تربیت کرد که در کمتر از یک قرن بر سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا (اسپانیا) حکومت نمود.»

قرآن بزرگترین کتاب در آداب تعلیم و تربیت و اهداف آن است. قرآن همچون ستاره درخشانی به زندگی انسان ها روح و معنا بخشیده و زمینه ساز حرکت های آزادی بخش در میان ملت ها بوده است.

هدف از نزول قرآن هدایت و رحمت است. راه و روشی که قرآن برای انسان ها ترسیم می کند براساس قوانین آفرینش و نظام احسن بنا شده است و مخاطب آن نیز تمامی انسان هایی هستند که به آن گرایش، ایمان و یقین پیدا

^{۳۵}. Gustave Le Bon

کرده اند. از آنجا که تعلیم و تربیت امری ظریف و دشوار است، لازم است معلم، ماهیت و حقیقت انسان را به خوبی بشناسد و استعدادهای درونی انسان را بیابد و به هدف تربیتی انسانی واقف باشد. در حقیقت معلمان زیربنای تکامل و تحول جامعه و افراد آن را پی ریزی می نمایند. بر همین اساس است که معلمی و هدایت انسان ها اصیل ترین و شریف ترین کارها لقب گرفته است؛ چرا که هدف اساسی و اصلی تعلیم و تربیت «انسان سازی» است و معلم و مربی برای تعلیم و تربیت انسان ها آمده است.

معلم موفق باید خلاق باشد و پیوسته در جستجوی راه های تازه ای باشد که بر معلومات خود بیفزاید. هنر معلمی در این است که همواره روحیه اعتماد به نفس را در شاگردان خود تقویت کند تا بتوانند در مقابل ناپایداری های زندگی ایستادگی و مقاومت نمایند و این هنر وابسته به ایمان است. ایمان در این مرحله فقط به معنای پیرو الهیات یا مذهب خاص بودن نیست بلکه ایمان یعنی باور کردن اینکه در امر تربیت درهای بسته یا اوضاع غیر ممکن وجود ندارد.»

ویژگی های معلم نمونه در قرآن

از آنجا که معلم سال های زیادی را همراه دانش آموز می باشد و در سنین حساس کودکی و نوجوانی که درخت وجودی دانش آموز شکل می گیرد با او همدم و همراه می باشد لذا قرآن کریم، این کتاب انسان ساز، صفاتی برای یک معلم خوب و نمونه ذکر کرده است که به اجمال به بیان آن ها می پردازیم:

تواضع

اولین ویژگی یک معلم نمونه، تواضع و فروتنی است تا شاگردان مشکلات خود، درسی و غیردرسی را به راحتی با معلم خود مطرح نموده و از این طریق هم استفاده علمی ببرند و هم درس زندگی بیاموزند. چنانکه رسول اکرم نیز می فرمایند: «خداوند به من وحی نمود که فروتن باشید.»

فروتنی یعنی تسلیم در برابر حق، احترام به هموعان، اعتراف و شناسایی مقام واقعی خود و حقوق دیگران که همگی از ثبات روحی و آرامش روانی سرچشمه می گیرد.

مهربانی

از آنجا که همه شاگردان بدون اختیار تاثیرات خلقی و رفتاری معلمان را می پذیرند و به آن سمت کشیده می شوند لذا یکی از صفاتی که در وجود یک معلم نمونه، ضروری و لازم است؛ برخورد همراه با روی گشاده و مهربان است تا شاگردان نیز تحت تاثیر این برخورد معلم هم بتوانند به راحتی مشکلات خود را بیان نموده و هم از راهنمایی های معلم بهره لازم را ببرند و هم خود دارای روحیه گشاده در برخورد با اجتماع و مردمان شوند. تغییرات اخلاقی تنها با پند و اندرز و موعظه صورت نمی پذیرد بلکه زمانی این مهم تحقق پیدا می کند که همراه با عمل و رفتار انسانی باشد.

همیشه به یاد داشته باشیم که زیر بنای رابطه عاطفی که میان معلم و شاگرد برقرار می شود، روش تدریس معلم نیست، بلکه روحیات و خلقیات معلم اوست.

اخلاق نیکو

یکی از شروط اساسی معلمی داشتن اخلاق نیکو و نرمی در گفتار است. به گونه ای که بتواند همه شاگردان را به خود جذب کند و دلهای آنان را به دست آورد. چنانکه خداوند در آیه ۴۴ سوره مبارکه طه می فرماید: «فقولا له قولاً لیناً؛ به او به نرمی سخن بگویید» لطافت و نرمی در گفتار متکلم، مخاطبان را به سوی او جذب می کند و این خود یکی از عواملی است که باعث می شود درس ها و پند و اندرزهای متکلم در مخاطبان تاثیر بنهد. امام باقر(ع) در تفسیر آیه: «قولوا للناس حسناً» می فرماید «قولاً للناس اءحسن ما تحبون ان یقال لكم؛ با مردم با بهترین نوعی که دوست دارید با شما سخن گفته شود، سخن بگویید.»

معلم باید همانگونه که انبیای الهی در جذب دلهای مردم می کوشیدند تا بتوانند آنها را به راه راست هدایت نمایند، در جذب دلهای شاگردان بکوشد تا بتوانند آنها را به شیوه صحیح ارشاد و راهنمایی کرده و از گرداب های موجود در جامعه آگاه سازد.

صبر

خداوند در قرآن کریم صابران را می ستاید و می فرماید: «والله یحب الصبرین؛ خداوند صابران را دوست دارد.» این خطاب که همه مردمان جهان را در بر می گیرد به انسان ها درس بردباری و صبوری در مقابل مشکلات و سختی ها را می دهد تا بدین وسیله مورد رضایت و محبت خدای تعالی قرار گیرند و در جای دیگری می فرماید: «الم نشرح لك صدر» انشراح صدر است که امکان شکیبایی و صبر را فراهم می کند.

معلم نیز باید صبور و بردبار باشد، بخصوص معلمان دوره های ابتدایی که با کودکانی روبرو هستند که هم در سنینی هستند که بسیار پرتحرک و ناآرام اند و هم به تازگی از جمع خانوادگی خود جدا شده و پای در مدرسه نهاده اند. لذا یک معلم نمونه باید در مقابل ناآرامی های دانش آموزان خود، شیطنت ها و حتی دیر درک کردن مطلب و دیرفهمی های دانش آموزان صبور و بردبار بوده و با آنها با مدارا رفتار نمایند زیرا که با صبر می توان به کارهای مهم دست یافت و چه بسا همین دانش آموزان پرتحرک و ناآرام و حتی گاه دیرفهم، آینده ای بسیار درخشان و چشمگیری داشته باشند که در پرتو صبوری و مدارای معلم در آینده ای نزدیک جلوه گر شود. امام علی در این زمینه می فرماید: «صبر، مدد و کمک هر کاری به شمار می آید.»

گذشت

خداوند در آیه ۸۵ سوره مبارکه حجر خطاب به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «و ما خلقنا السموات والارض و ما بینهم الا بالحق و ان الساعه لاتیة فاصفح الصفح الجمیل؛... و ما آسمان ها و زمین و هر چه در بین آن هاست جز برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ خلق نکردیم و البته ساعت قیامت خواهد آمد. اکنون تو

ای رسول ما از این منکران ، نیکو در گذر» در موارد زیادی معلم از شاگردان خود رفتارهای خاصی را مشاهده می کند و یا کلمات و جملات غیرمنطقی را می شنود ، اگر بنا باشد هر بار به خاطر این رفتارها و یا گفتارها دانش آموزان را توبیخ نماید نه تنها نمی تواند استعدادهای نهفته در درون شاگرد را کشف کند و به فعلیت برساند بلکه باعث می شود تا دانش آموزان نسبت به او دلسرد شده و احترامی را که باید برای او قائل شوند ، از میان بردارند. معلم نمونه باید همیشه به خاطر داشته باشد که گاهی نادیده گرفتن ها و گذشت کردن ها بیشتر و بهتر از تنبیه و اخراج می تواند اثر تربیتی بر دانش آموز داشته باشد.

امام علی می فرماید: « کسی که کارش را با رفق و مدارا انجام دهد، برترین مردم است.» در تعالیم اسلامی، تغافل از خطاهایی که از دیگران سر می زند در حالی که آدمی از آن خطاها اطلاع دارد، جزو شریف ترین اخلاق انسان کریم بر شمرده شده است. بنابراین معلم نمونه باید خطاهای دانش آموزان خود را نادیده گرفته و با اتخاذ رفتاری منطقی و صحیح آنها را متوجه خطا و اشتباه خود نموده و راه صحیح را به آنها نشان دهد. اما اگر به جای برخورد صحیح و منطقی با خطاهای دانش آموزان، با آنان بدرفتاری نموده به اصطلاح عکس العمل منفی نشان بدهد ، تنها باعث می شود که دانش آموزان به او دلسرد شده و در نتیجه معلم نمی تواند هدف اصلی خود یعنی تربیت آینده سازان جامعه را دنبال کند.

صداقت

صداقت و راستگویی در فطرت آدمی نهاده شده و آدمی ذاتاً به آن متمایل است. خداوند متعال نیز در قرآن از مردمان می خواهد از صادقین و راستگویان باشند. امام علی ع یکی از صفات پرهیزکاران را صداقت در گفتار می داند. صداقت و راستگویی روح و حقیقت گفتار است. امام علی در خطبه نهج البلاغه می فرماید: « صداقت در گفتار را که خداوند به فردی در میان مردم عطا کند بهتر از ثروتی است که کسی بر دیگران به ارث گذارد.» یکی از نشانه های واقعی دانشمندی این است که فرد به جایی برسد که تازه می فهمد چیزی نمی داند و جهانی از مجهولات او را احاطه کرده است. لذا معلم نیز نباید انتظار داشته باشد که به همه چیز احاطه داشته باشد و همه چیز را به خوبی بداند چرا که ارزشمندی انسان تنها در پرتو معلومات نیست. معلم موفق باید خلاق بوده و پیوسته در پی راه های تازه ای برای افزودن معلومات خود باشد آنجا که معلم مطالبی را نمی داند باید صداقت در گفتار داشته و به جای متوسل شدن به شرح و بیان مفصل ، به راحتی به عدم علم خود اقرار کند. این اقرار و اعتراف نه تنها معلم را خوار و ذلیل نمی کند بلکه بر عظمت و تعالی او نیز می افزاید. امام باقر در این زمینه می فرماید: « آنچه را که می دانید بر زبان آورید و درباره مطالبی که نمی دانید بگویید خدا آگاه تر و داناتر است.»

حفظ شخصیت دانش آموزان

تربیت کاری ظریف و دشوار است و گذرگاه های سخت و دشوار دارد. معلم همواره باید شخصیت دانش آموز را حفظ کند و عذر دانش آموز را بپذیرد. خداوند در آیات زیادی از تکریم شخصیت انسان و سجده فرشتگان به او

سخن می گوید. در روایات اسلامی از سرزنش کردن دیگران به شدت نهی شده است. امام صادق در این زمینه می فرماید: «کسی را مورد شماتت و سرزنش قرار مده زیرا ممکن است خداوند به او ترحم کند و تو را به آن مبتلا کند.» معلم و مربی نمونه باید با حفظ شخصیت دانش آموز با خطای او برخورد نماید تا وی متوجه خطا و اشتباه خود شده و در صدد جبران آن برآید چرا که شخصیت، بزرگترین سرمایه معنوی دانش آموز است که اگر نادیده گرفته شود و مورد تحقیر قرار گیرد، در آینده باعث می شود فرد خطاکار فاجعه های بزرگ بیافریند. لذا بر همین اساس است که معلم باید بکوشد تا همیشه شخصیت دانش آموزان را حفظ کرده و با نگهداشت آبرو و عزت شاگردان مسائل تربیتی را به آنان بیاموزد و به مرحله اجرا در آورد. یکی از دستوراتی که در قرآن کریم خطاب به همه مومنان آمده است، پرهیز از مسخره کردن یکدیگر است. خداوند می فرماید: «یا ایها الذین امنوا لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونواخیرا منهم؛... ای کسانی که ایمان آورده اید هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کند. شاید آن قوم که مسخره می کنید، بهترین مومنین باشند. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می فرماید: «هیچ مسلمانی را کوچک نشمارید زیرا که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.» معلم نمونه معلمی است که این روحیات را شناخته و متناسب با همان روحیات با شاگردان خود برخورد نماید و هرگز شاگردی را به علت برخورداری از یک خصیصه یا به علت ضعف هوشی مورد تمسخر و عیب جویی قرار ندهد. معلم زمانی می تواند در برخورد صحیح با شاگردان خود موفق عمل کند که خود را به جای شاگردان قرار دهد و همواره کودکی و نوجوانی را به یاد داشته باشد.

تنبيه و تشويق

قرآن کریم در آیاتی هدف از ارسال پیامبر به سوی امت را تشویق و تنبیه و ترسانیدن از عذاب الهی که در صورت عدم اطاعت از حق تعالی گریبانگیر فرد می شود، بیان می کند. تشویق و تنبیه از اصول مهم اخلاقی است که مورد پذیرش و تاکید مکتب اسلام است. تشویق دانش آموز باعث تقویت وی شده و در عین حال تنبیهی است برای دانش آموزانی که سستی و اهمال به خرج داده و به درس و فعالیت درسی بی رغبت هستند و این خود زمینه ای می شود تا این گروه از دانش آموزان از غفلت و اتلاف وقت دست بردارند و به فعالیت های درسی علاقمند شوند. امام علی ع در این زمینه می فرماید: «گنهکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن.» تشویق باید به موقع انجام گیرد و البته نباید به کیفیتی باشد که مایه غرور و غفلت دانش آموز یا خاموش شدن فعالیت ها و نظم و انضباط وی شود. تشویق باید عامل رشد باشد نه انحطاط. تنبیه نیز باید به منظور آگاهی دادن باشد نه انتقام گیری و به گونه ای باشد که فرد خطاکار متوجه بشود که استحقاق تنبیه را دارد نه اینکه با خود گمان کند به وی ظلم شده است.

خودسازی وظيفه اوليه معلم نمونه

آنچه تاکنون در ارتباط با رفتار معلم با شاگردان بیان نمودیم، در صورتی محقق خواهد شد که معلم ابتدا در وجود خود دست به سازندگی زده و در اعمال و گفتارش دقت نموده و میان آنها هماهنگی لازم را ایجاد نماید. معلم باید

با تدبر و تفکر در وجود خویش و سازندگی روحی و اخلاقی خود این ویژگی های بیان شده را در خود ایجاد کرده و همیشه زنده نگه دارد تا بتواند بر دانش آموزان تاثیر نهاده و آن ها را هدایت و راهنمایی کند. راز و نیازها و مناجات های رسول اکرم پیش از بعثت در غار حراء و کسب آمادگی برای پذیرش مسوولیت خطیر و مهم تعلیم و تربیت انسان ها که در جهلی بی سابقه فرو رفته بودند ، بهترین گواه بر این مدعاست. یک معلم برای اینکه بتواند این ویژگی ها را در خود بوجود آورد باید مقدماتی را طی کند تا بتواند در این مسیر گام بردارد.

گفتارمان مطابق کردارمان باشد

یکی از اساسی ترین اصول و شرایط معلمی ، مطابقت گفتار و کردار است. معلم باید توجه داشته باشد که میان رفتار و کردارش با گفتارش وحدت و همبستگی وجود داشته باشد. چنانکه خداوند افرادی را که گفتاری را برای مردم بیان می کنند و خود عمل نمی کنند را توبیخ می کند. و امام علی (علیه السلام) چنین افرادی را مورد لعن خدا می داند و می فرماید: «خداوند کسانی که امر به معروف کرده ولی خود آن را ترک می کنند و نهی از منکر کرده و خود آن را انجام می دهند ، لعنت کند.» یک معلم برای اینکه سخنش در دل های دیگران تاثیر بگذارد باید ابتدا خود به آنچه می گوید ، عمل کند. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: « با غیر زبان ، مردم را دعوت کنید که اگر در شما پرهیزکاری و تلاش و نماز و کار خیر مشاهده کنند، این خود دعوت است.» این کلام پرمحتوای امام صادق (ع) نه تنها درس آموزنده برای تمامی آموزگاران و معلمان بلکه برای همه انسان هاست اما معلمان و آموزگاران که ساقه وجودی آینده سازان جامعه اسلامی مان را پرورش می دهند ، می توانند با استفاده از این جمله گهربار الگوی خوبی برای شاگردان خود باشند و دانش پژوهان خود را به کار نیک دعوت کنند و خود نیز الگویی مناسب در زمینه های مختلف برای آنان باشند.

اهمیت علم

آموختن، تنها مورد تأکید مکتب والای اسلام نیست؛ بلکه بسیاری از فرزندگان غیر مسلمان هم چون سقراط، افلاطون، نیوتن و... نیز بر اهمیت آن صحه گذاشته اند. از دیدگاه اسلام، انسان آگاه با انسان ناآگاه مساوی نیستند. کسی که بدون آگاهی گام در راهی می گذارد و عملی را انجام می دهد، به بیراهه رفته است و هر چه در این بیراهه پیش رود، از مقصد خویش بیشتر فاصله می گیرد. شاید به همین دلیل است که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هیچ گنجی سودمندتر از علم نیست؛ در فراگیری آن بکوشید که فراگرفتنش نیکوست.» و رسول خدا صلی الله علیه و آله فراگرفتن علم را بر هر مسلمان واجب می داند و تأکید می کند که ارجمندترین مردم، دانشمندان آنان و کم ارج ترین، کم دانش ترینشان است.

دیدگاه قرآن نسبت به مقام معلم چیست؟

قرآن مجید نخستین معلم را خداوند، و نخستین شاگرد را حضرت آدم (ع) می‌شمرد و نخستین علمی که به او تعلیم داده شد، علم الاسماء می‌شمرد (به احتمال قوی منظور از آن آگاهی بر اسرار آفرینش و موجودات جهان است). تنها آدم نبود که خداوند به او تعلیم داد، بلکه به یوسف تعلیم تعبیر خواب داد، و به سلیمان زبان پرندگان آموخت، و به داود (ع) زره ساختن را، و به خضر علم و آگاهی فراوانی داد، و به فرشتگان علوم فراوانی بخشید، و به انسان‌ها نطق و بیان آموخت و از همه بالاتر اینکه به پیامبر اسلام (ص) علوم و دانش‌هایی که هرگز تحصیل آن از طرق عادی برای او ممکن نبود آموزش داد، فرشته بزرگ الهی یعنی پیک وحی، جبرئیل، نیز تعلیمات فراوانی به پیامبر اسلام (ص) داد.

دیدگاه روایات اسلامی نسبت به مقام معلم

در روایات اسلامی، مقام معلم آنقدر بالاست که خدا و فرشتگان و همه موجودات حتی مورچه در لانه خود و ماهیان در دریاها بر کسی که به مردم تعلیم خیر کند درود می‌فرستند، چنانکه در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است: «انَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ حَتَّى النَّمْلَةِ فِي حُجْرِهَا وَ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ» (کنز العمال، حدیث: ۲۸۷۳۶). و در حدیث دیگری می‌خوانیم: «آیا به شما خبر دهم که بخشنده‌ترین بخشنده‌ها کیست؟ بخشنده‌ترین بخشنده‌ها خداست و من بخشنده‌ترین فرزندان آدم هستم و بعد از من از همه شما بخشنده‌تر، کسی است که علم و دانشی را فراگیرد و آنرا نشر دهد و به دیگران بیاموزد، چنین کسی، روز قیامت، خود به صورت امتی برانگیخته خواهد شد» (میزان الحکمه ۶/ ۴۷۴). تعبیر به «امت» به خوبی نشان می‌دهد که گسترش وجودی معلمان، به موازات گسترش تعلیمات آن‌ها در میان جامعه بشری صورت می‌گیرد و هر قدر شاگردان بیشتری را تعلیم و تربیت کنند، به همان نسبت شخصیت معنوی و اجتماعی آنها گسترده‌تر می‌شود و گاه به اندازه‌ی یک امت می‌گردد.

اهمیت نشر علم و دانش و فرهنگ در اسلام تا آن حد است که در حدیثی معروف، مجلس علم، باغی از باغهای بهشت شمرده شده است. جالب اینکه در اسلام هر کاری که مقدمه فراگیری علم، یا مناسبتی با آن داشته باشند، عبادت شمرده شده است، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ» (بحار الانوار ۱/ ۲۰۴) همنشینی با دانشمندان عبادت است». در حدیث دیگری از امام موسی بن جعفر (ع) می‌خوانیم: «النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ» (وسائل ۱۸/ ۴۵۸) نگاه به صورت عالم از روی محبت، عبادت است». و نیز در حدیث دیگری می‌خوانیم که پیامبر (ص) به ابوذر فرمود: «الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ، صِيَامَ نَهَارٍ، وَ قِيَامَ لَيْلٍ» (النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ) (تفسیر نمونه ۴/ ۳۶۰) یک ساعت در جلسه مذاکره علم شرکت کردن، برای تو بهتر از عبادت یک سال است که روزها روزه باشی و شبها مشغول عبادت شوی و نگاه به صورت عالم، برای تو بهتر است از آزاد کردن یک هزار برده».

جایگاه معلم در فرهنگ اهل بیت (ع)

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می‌دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسانها ثبت می‌کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین‌انداز می‌گرداند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسانها مدیون معلم است. اساسا تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از ویژگیهای انبیاست. خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلما پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

بزرگ‌ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله به این ویژگی خود افتخار می‌کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می‌کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می‌آموختند، افضل دانست و فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مَعْلَمًا هَمانَا که من به عنوان معلم مبعوث شده‌ام». آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُعَلِّمِينَ وَأَطِلْ أَعْمَارَهُمْ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ؛ خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان».

آری، معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می‌باشد. در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی علیه‌السلام نمی‌توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلَّمَني حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَني عَبْدًا؛ کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است». البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به آموزش پردازد. در این بخش نمونه‌هایی را از روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تکریم مقام معلم به ارائه می‌گردد.

امام حسین (ع) و تقدیر از معلم

بدون تردید هر انسانی فطرتا دوست دارد تا از خدمتگزار خود تقدیر کند و چه خدمتی بالاتر از آموزش علم و دانش به انسان می‌تواند باشد. در آموزه‌های دینی ما برای تقدیر از معلم سفارشهای زیادی شده است و در سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام این امر مرسوم و مسلّم بوده است. ابن شهر آشوب در حالات امام حسین علیه‌السلام می‌نویسد:

در مدینه معلمی به نام عبد الرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند گرامی حضرت آن را در نزد وی قرائت کرد، امام بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان

تقدیر و تشکر هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد. وقتی امام حسین علیه السلام به خاطر این پاداش زیاد، مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «وَأَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَغْنَى تَعْلِيمِهِ؛ این پاداش کجا و عطای او، یعنی آموزش سوره حمد کجا!» آن گاه امام حسین علیه السلام این ابیات را یادآور شد که:

«إِذَا جَاءَتْ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجُدْ بِهَا / عَلَى النَّاسِ طَرًّا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتَ فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ / وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ» یعنی زمانی که دنیا چیزی بر تو ببخشد، تو نیز دست عطایت را بر همه مردم بگشا، قبل از آنکه از دست تو برود! نه بخشش آن را از بین می برد، اگر به تو رو آورد و نه بخل آن را نگه می دارد، اگر دنیا به انسان پشت کند.

منزلت معلم

از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام برای مقام معلمی ارزش بسیاری قرار داده شده است؛ چرا که او روح و جان افراد را پرورش داده، به سوی رشد و ترقی و تعالی می برد.

حضرت سید الشهداء علیه السلام در یکی از رهنمودهای حیات بخش خویش فرمود: «مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ظُلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةِ حَقٍّ فَأَجَابَهُ كَانَ لَهُ الْإِجْرُ كَعَتَقِ نَفْسَمَةٍ؛ هر کس انسانی را از گمراهی به سوی شناخت حق و حقیقت راهنمایی کند و او نیز پاسخ مثبت دهد، به اندازه آزادی یک بنده پاداش خواهد داشت.» امام حسین علیه السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: مرد ستمگری می خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند و تو او را یاری می کنی و از دست ظالم نجات می دهی و یا اینکه فرد دگراندیشی که اعتقادات فاسد دارد و می خواهد یکی از شیعیان ما را که توانایی دفاع فکری و عقیدتی از باورهای خود ندارد، گمراه کند و تو دری از علم و معرفت به روی او می گشایی و آن مستضعف فکری را یاری می کنی و در مقابل هجوم فرهنگی و عقیدتی تجهیزش می نمایی و او با دلایل محکم و منطقی بر دشمن عقیدتی خود پیروز می شود؟» آن گاه در ادامه فرمود: «این ناتوان فکری را یاری کردن افضل است؛ چرا که خداوند متعال فرموده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ «هر کس فردی را زنده کند، مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است.» یعنی اینکه از کفر به سوی ایمان راهنمایی و ارشادش نماید.»

عزیزترین قشر جامعه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام احترام معلم را بر هر قشری از جامعه لازم می دانست و به مسلمانان سفارش می کرد که به پاس خدمات این گروه ارزشمند در هر مقامی که باشند، آنان را همانند پدر خود گرامی بدارند و در این زمینه فرمود: «قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِإِيكَ وَمُعَلِّمِكَ وَلَوْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به پا خیز! گرچه پادشاه باشی.»

حضرت زین العابدین علیه السلام نیز در ضمن شمارش حقوق اقشار مختلف جامعه، معلمان را از طبقات برتر جامعه قلمداد کرده، به دوستان و شیفتگانش سفارش می کرد که حقوق معلمان و اساتید خود را به نحو شایسته ای مراعات کنند و در رساله حقوق خود فرمود: «حَقُّ سَائِسِكِ بِالْعِلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْأِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛ حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس محترم بداری و به نیکویی سخنانش را گوش کنی.» در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است: «هنگامی که به حضرت هادی علیه السلام خبر رسید یکی از فقهای شیعه - که در مقام استادی بود - با برخی از ناصبیان مناظره کرده و با برهان محکم و متقن، باطل بودن ناصبی را اثبات نموده و او را رسوا کرده است، [خیلی خوشحال شد و] هنگامی که آن استاد فرزانه به حضور امام هادی علیه السلام رسید، امام او را در صدر مجلس به تخت بزرگی که در آنجا قبلاً نهاده بودند، راهنمایی کرد. این درحالی بود که گروهی از علویان و بنی هاشم حضور داشتند و خود امام بر آن تخت نشست. حضرت آن استاد فقیه را بالا برد و تعظیم کرد تا اینکه بر روی آن تخت نشاند.»

تکریم معلم

یکی از بهترین و مؤثرترین اقشار اجتماعی، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان طور که شمع خود می سوزد و اطرافش را روشن می کند، معلمان دلسوز و وظیفه شناس که دانش آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه روزی به سوی روشنایی و هدایت می برند نیز جامعه را به نور علم و معرفت خویش روشن می سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات، محترم بشمارند.

از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی شمارد. آن حضرت چنین فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَخَفُ بِهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ نِفَاقِهِ دُوْ شَيْئَةٍ فِي الْإِسْلَامِ وَمُعَلِّمٌ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ؛ از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دو رویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی زند. این سه گروه عبارت اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیکی و پیشوای عادل.»

برکات حضور در نزد معلم

یکی از مهم ترین مصادیق تعظیم معلمان و اساتید، حضور در کلاس درس آنان است که انسان علاوه بر اینکه مطالب بسیاری از آنان می آموزد، از آداب و رسوم و اطلاعات غیر درسی نیز بهره مند می شود؛ افزون بر آن، به مقام دوستان خداوند و ثواب آنچه نزد خداست نیز دست می یابد. در حقیقت آموزه های معلم، همانند قطرات باران دلهای تشنه را سیراب و استعدادها را شکوفا می کند. به این جهت، حضرت عیسی علیه السلام به پیروان خود سفارش کرد که: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ زَاكِمُوا الْعُلَمَاءَ فِي مَجَالِسِهِمْ وَلَوْ جُثُوا عَلَى الرُّكْبِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بَنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا

يُخَيِّبِ الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ بِوَابِلِ الْمَطَرِ؛ ای بنی اسرائیل! در کلاس های درس دانشمندان ازدحام کنید! حتی اگر از تنگی مکان درس ناچار باشید که بر روی زانوهای خود بنشینید؛ چرا که خداوند متعال با نور دانش و حکمت، دل های مرده را زنده می کند؛ همان طوری که زمین مرده [و خشک] را با قطرات باران احیا می کند.»

حضور در جلسات دانشمندان و معلمان حکمت چنان در زندگی انسان اثر دارد که ممکن است در اثر بی اعتنایی به آن جلسات، انسان دچار خواری شود و مورد خشم خداوند قرار گیرد. امام سجاد علیه السلام در دعای سحر به این نکته ظریف اشاره می کند و در راز و نیاز با خداوند این گونه نجوا می کند: «سَيِّدِي... لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي؛ آقای من!... شاید مرا در مجالس دانشمندان ندیدی و به این خاطر دچار خذلان و خواری نموده ای!»

ویژگی های معلمان شایسته از دیدگاه اهل بیت (ع)

در مطالب گذشته روایاتی در مقام و منزلت معلمان شایسته بیان شد. به برخی از شرایط آنان نیز اشاره می شود:

۱. اخلاص

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُعَلِّمُ لَا يُعَلِّمُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ؛ معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می دهد] و هرگاه هدیه ای به او دادند، آن را می پذیرد.»

۲. عدالت میان شاگردان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَّانِ لَا يُؤَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ؛ و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی گیرد.»

۳. تواضع

علی علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ بِعِلْمِهِ؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می رسد.»

۴. عمل به گفته های خود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت دانشمندان [و معلمان] بد را می آورند و به آتش جهنم می اندازند. یکی از آنان [از شدت عذاب] در داخل آتش به دور خود می چرخد... کسانی که از او علم آموخته و نجات یافته اند، به او می گویند: وای بر تو! ما راه راست را از تو آموختیم و هدایت شدیم. چرا تو اینگونه ای؟ او پاسخ می دهد: من نسبت به آنچه به شما می آموختم و شما را از آن نهی می کردم، مخالفت کردم.»

آداب و وظائف معلم و شاگرد

بخش اول : آداب و وظائف معلم و شاگرد نسبت به خود

(مطالب مربوط به آن ، ضمن شش امر، مورد گفتگو قرار می گیرد):

۱- ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت

نخستین آداب و آئینهای مربوط به معلم و شاگرد که باید (در امر تعلیم و تعلم) به عنوان یک امر ضروری و قطعی مورد توجه قرار گیرد این است که در پویائی از علم و یا بذل و اعطاء آن به دیگران ، دارای خلوص نیت باشند (یعنی باید معلم و شاگرد در مسیر تعلیم و تعلم در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارند، و هیچگونه شوائب انتفاعی و مادی را با این هدف الهی نیامیزند)؛ زیرا محور و کانون ارزش علم و رفتار هر کسی بر قصد و نیت است که اعمال و رفتار انسان گاهی همچون سفال و کوزه شکسته ای - فاقد ارزش و اعتبار می شود. و گاهی نیز همین اعمال و رفتار در ظل نیت و جهت یابی ، و هدف گیری درست و الهی ، همانند گوهری گرانها آنچنان دارای ارزش و اعتبار می گردد که نمیتوان آنرا به علت گرانیگی ، ارزیابی کرد. و گاهی نیز همین اعمال و رفتار، به خاطر هدف گیری های نادرست و غیرانسانی به صورت وزر و وبالی بر دوش انسان سنگینی کرده ، و برگه های جرم و گناه فزونتری بر صفحات پرونده اعمال سیاه او اضافه خواهد نمود، اگر چه این اعمال به صورت اعمال واجب و تکالیف حتمی الاجراء او باشد.

بنابراین لازم است که معلم و شاگرد در اعمال و کوشش های خود صرفا خدا و طاعت از فرمان او و پیراستن خویش (از رذائل) و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهائی خود قرار دهند. آن ها نباید در انجام وظائف خویش ، هدف دیگری را در قصد و نیت خود راه دهند؛ یعنی نباید اغراض و هدفهای دنیائی و نادرست و کم ارزشی را - که موجب لذت و خواری و فرومایگی آنها نزد خدا، و باعث خشم او، و از دست دادن سعادت و نیکبختی جاوید سرای پسین ، و محرومیت از اجر و پاداش دائمی می گردد - در مد نظر گیرند.

اینگونه اهداف و اغراض دنیائی و نادرست و کم ارزش ، عبارتند از: حب مال ، جاه طلبی ، نام جوئی و تشخص، نمودیابی در میان اقران و همگنان ، برتری جوئی نسبت به همالان ، بالیدن نسبت به برادران ایمانی و امثال آن ها از هدف های نادرستی (که همت انسانی را دستخوش ابتذال ساخته و انسان را به فرومایگی شخصیت سوق میدهند)، و مآلا اشخاص را به صورت (زیانکارترین افرادی درمی آورد که مساعی و کوشش های آنان در زندگی ، فاقد جهت یابی و آمیخته با گمراهی و سرگشتگی است و این چنین افرادی می پندارند که رفتار و کار درستی را در پیش گرفته اند (آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف).

گروه بندی طالبان علم و دانشجویان :

از همان امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است که فرمود: طالبان علم و دانشجویان به سه گروه تقسیم می شوند؛ لذا بایسته است که خود آنها و ماهیت و مشخصات ظاهری و باطنی آنان را شناسائی کنید:

- ۱- گروهی از آنجهت ، طالب علم اند، که میخواهند - با تحصیل آن - سفاقت و سبک مغزی و فخر و مباحثات به دیگران ، و ستیز و درگیری با رقیبان و همالان را پیشه خود سازند.
- ۲- گروهی دیگر که هدف آنان در تحصیل علم ، عبارت از فزون جوئی و دست یازی به مقام و منصب و تکبر و خود بزرگ بینی ، و خدعه و نیرنگ کاری می باشد.
- ۳- گروه سوم ، دانشجویانی هستند که بخاطر کسب بینش دینی و نیز عمل و رفتار بر طبق موازین آن ، جویای دانش و پویای علم اند.

۲- عمل به علم یا لزوم هماهنگی رفتار معلم و شاگرد با علم و آگاهی آن ها

دومین مسئله ای که باید معلم و شاگرد درباره خویشتن نسبت به آن اهتمام و عنایت داشته باشند این است که همراه با علوم و آگاهی های خویش ، به تدریج و گام به گام ، این آگاهیها و معارف را بکار بندند؛ زیرا اهتمام و عنایت هر فرد عاقل و خردمند، در مراقبت و پرداختن به خویشتن و عمل به علم ، مصروف می گردد؛ ولی کوششها و عنایات یک فرد عامی به نقل و روایت و گفتگو محدود است .

الف - احادیث درباره بکارگرفتن علم :

از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((علماء و دانشمندان از دو دسته تشکیل یافته اند:

۱- دسته ای که علم و آگاهی خود را به کار گرفته و بر طبق آن عمل می کنند. اینگونه دانشمندان از عواقب سوء روز قیامت مصون هستند.

۲- دسته ای دیگر که بر طبق علم خود عمل نمی کنند. این گروه از علماء، دچار هلاکت و نابودی شده و به گونه ای در روز قیامت محسور می شوند که دوزخیان هم از بوی بد و تعفن وجود آن ها رنج و آزار می بینند. در میان جمع اهل دوزخ - آنکه بیش از همه و سخت تر از دیگران احساس تاءسف و ندامت می نماید - عبارت از کسی است که شخص دیگر و بنده خدائی را به سوی خدا دعوت کند و دعوت او با پاسخ مثبت روبرو شده و مؤثر می افتد. یعنی آن شخص ، پذیرای دعوت او گشته و در صراط مستقیم قرار گیرد، و به راه و رسم دین و آئین پای بند گردد و موفق به طاعت از خدا شود. و سرانجام ، خدایش او را وارد بهشت سازد، ولی راهبر و راهنمای او را - به خاطر فقدان عمل و هواپرستی و دورپروازی در آرزوها و تمایلات - وارد دوزخ نماید، زیرا پیروی از تمایلات و روح هواپرستی، مانع وصول انسان به حق و واقعیت است. و آرزوهای دور و دراز، آخرت و معنویت انسان را به دست فراموشی می سپارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دل ها می لغزد، آن چنانکه باران از روی سنگ صفا که صاف و لغزنده و لغزنده است بلغزد.

هدف اصلی و منظور اساسی علم و دانش - مطلقا و بدون هیچ قید و شرطی - عبارت از عمل و کردار بر طبق آنست ، زیرا بازگشت تمام علوم و معارف بشری به دو علم و دانش می باشد:

۱- علم معامله و رفتار

۲- علم معرفت و شناخت .

- علم معامله و رفتار (که کیفیت عمل و روابط مختلف را در شئون گوناگون زندگانی تنظیم می کند) عبارت از شناخت حلال و حرام و احکامی امثال آن ها، و نیز شناخت اخلاق و خوی های ستوده و ناستوده نفس و روان ، و کیفیت درمان بیماری های روانی و بازیافتن راه های گریز از این بیماریها و خوی های ناپسند است .

- علم معرفت و شناخت : (که خود شناخت ، با صرف نظر از رفتار، در آن علم ، مورد نظر می باشد) عبارت از علم به خدا و صفات و اسماء او است .

علوم و دانش هایی که در بیرون از محدوده این دو نوع علم قرار دارند یا (به عنوان علوم آلی و دانش های افزاری به شمار می روند که) ابزار و وسائل علوم مذکور در فوق هستند. و یا آنکه هدف و منظور از آنها - فی الجمله - نوعی از عمل و رفتار می باشد.

۳- بکار بستن علم ، و توجه و توکل به خدا، و برخورداری از جهت یابی صحیح

برای هر یک از معلم و شاگرد - علاوه بر خلوص نیت و بکار بستن علم - شرائط متعدد و وظائف متنوع و فراوانی وجود دارد که همه این شرائط و وظائف در همان شرط دوم یعنی بکار بستن علم ، خلاصه می شود، زیرا علم و دانش وسیله نیل به اخلاق کریمه و رفتار ستوده و پسندیده، و منزّه ماندن انسان از خوی ها و کردارهای زشت و بد می باشد. اگر عالم و دانشمند، این دست افزار گرانبها را عملا بکار گیرد و به علم خویش - به صورتی درست و در جهت صحیح - عمل کند، خداوند متعال او را به هر گونه خیر و سعادت - که پویائی آن ممکن است - دسترسی می دهد. و از هر عامل و انگیزه ای - که موجب زشتی چهره شخصیت او می گردد - بدور می سازد.

پس آنچه بر معلم و شاگرد - پس از پاکسازی و تصفیه باطن و جان و روان از رذائل اخلاقی ، و بکار گرفتن علم - لازم و ضروری است این است که سرپای وجودشان را از درون و بیرون ، متوجه خدا ساخته و در تمام شئون ضروری زندگانی خویش به او متکی باشند و فیض بهره ها را از پیشگاه الهی ، درخواست و دریافت کنند؛ و آنها را نزد خدا جستجو نمایند؛ زیرا علم و دانش - همانگونه که از بیان امام صادق (ع) نقل کرده ایم - از رهگذر کثرت تعلم و دانش آموختن به دست نمی آید؛ بلکه علم و دانش عبارت از پرتو و نوری است که خداوند در دل و جان کسی می افکند که خواهان هدایت او است ، و او باید متوکل به خدا بوده ، و امور خویش را به وی واگذار نموده ، و بر علل و اسباب طبیعی و دنیوی تکیه نکند. اگر این عالم و دانشمند در شئون مختلف زندگانی ، صرفا به علل و اسباب دنیوی متکی باشد، و امور زندگانی خود را به همان ها واگذار نماید، همین علل و اسباب به صورت بار گران و کمرشکن بر دوش او سنگینی می کند و موجب انحطاط شخصیت وی می گردد.

آری عالم و متعلم نباید بر هیچ کس و بر هیچ چیزی از آفریده های خدا متکی باشند؛ بلکه باید زمام امور خود را در زندگانی و رزق و روزی و امثال آن ها به خداوند متعال واگذار نمایند تا از این رهگذر نفحات قدس الهی و الطاف پاکیزه پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند، بر آن ها تجلی کند و از رهگذر آن ، مشکلات آنان حل و گشوده شده و کثری آن ها به راستی آید، و منظورشان تأمین گردد و امور زندگانی آن ها به صلاح بازآید. از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که فرمود: (خداوند متعال به ویژه ، عهده دار رزق و روزی طالب علم و دانشجو می باشد، و روزی او را اختصاصا به طریق خاص و متفاوت از دیگران تضمین می کند که سایر مردم ، مشمول این لطف خاص او نیستند، یعنی علاوه بر آنکه به طور عموم ، روزی سایر مردم را نیز به عهده گرفته است روزی او را به طرز خاصی بدو ارزانی می کند. به عبارت دیگر: سایر طبقات مردم در کسب اسباب معیشت و زندگانی ، به سعی و کوشش نیاز دارند تا روزی خود را بدست آورند، و غالبا در سایه مساعی خود به آن دست می یابند؛ در حالیکه یک دانشجوی پویای علم به چنین سعی و کوششی - برای امرار معاش - مکلف و موظف نیست ، (و نیازی به آن ندارد)، بلکه او موظف است که جویای علم و دانش باشد و باید بداند: چون در مسیر دانشجوئی ، از حسن نیت و اخلاص در اراده ، برخوردار است خداوند متعال ، هزینه معاش و زندگانی او را کفایت و ضمانت خواهد کرد).

۴- حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس

معلم و شاگرد در پای بند بودن به حسن خلق - نسبت به سایر مردم - وظیفه بیشتر و سنگین تری دارند. آندو موظفند که تواضع و فروتنی و رفق و مدارای کامل را درباره دیگران معمول دارند و در این رهگذر از بذل توان و طاقت خویش - به منظور تکمیل نفس - دریغ نورزند.

از معاویه بن وهب روایت شده که گفت : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: ((جویای علم و دانش باشید و خویشان را همراه آن با آمیزه حلم و بردباری و متانت و وقار بیارائید، و نسبت به کسی که از او علم و دانش را درخواست می کنید متواضع و فروتن باشید، و همچون دانشمندان جبار و اشراف منش نباشید؛ چون طرز رفتار باطل و نابحق شما، حق شما را از میان می برد))

حلبی در ((الصحيح)) یا در حدیث صحیح از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که آنحضرت گفت : امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: ((می خواهید که شما را به حال فقیه و دانشمند واقعی دینی آگاه سازم ؟ آری او عبارت از کسی است که مردم را از مهر و راءفت خداوند، نومید نمی سازد. و در عین حال ، آنانرا (به گونه ای ارشاد می کند که) نسبت به عذاب خداوند احساس ایمنی نکنند، و به مردم در ارتکاب گناه ، آزادی عمل نمی دهد، و قرآن را - به خاطر رغبت به غیر قرآن - رها نمی نماید.

۵ - عفت نفس و علو همت

باید معلم و شاگرد دارای عفت نفس و علو همت باشند. و از پادشاهان و اهل دنیا فاصله بگیرند (و با آنها پیوندی برقرار نسازند)، و به خاطر طمع به دنیا در کادر آنها وارد نگردند، و مادامی که راه گریزی از دستگاه آنها برای آنان وجود دارد نباید - به خاطر طمع و آزمندی به مال و منصب - در سلک و رده آنان قرار گیرند تا بتوانند همانگونه که پیشینیان از علم و دانش پاسداری کرده اند، از حرمت و ارزش دانش، نگاهبانی کنند.

اگر عالم و دانشمندی (به خاطر آزمندی و گرایش به دنیا) به ملوک و اهل دنیا پیوندد، خویشان را در معرض (سقوط) قرار داده و به امانتی (که خداوند متعال به دست او سپرده است، یعنی به علم و دانش) خیانت کرده است. غالباً دانشمندانی که حتی به خاطر هدف های انسانی و دینی به سلاطین و اهل دنیا پیوستند به هدف و مطلوب خویش نائل نشدند؛ بلکه ناکام گشتند. و بر فرض هم اگر به پاره ای از هدف های خود دست یافته باشند، حالات و شخصیت روحی آنها به پایه حالات و شخصیت والای دانشمندانی نمی رسد که دامن خویش را با چنین پیوندها و آلائش ها نیالودند و توانستند خود را از سلاطین و اهل دنیا مصون دارند.

۶ - قیام به وظائف و شعائر دینی و تاعدب به موازین اخلاقی

باید معلم و شاگرد در قیام به شعائر اسلام و عمل به ظواهر احکام، همواره پای بند و مراقب باشند از قبیل: اقامه نمازهای یومیه در مساجد به صورت جماعت، و انجام آن در اوقات شریف و ساعات فضیلت اداء آن، سلام و تحیت گرم و تواءم با آمیزه صمیمیت نسبت به تمام مردم - اعم از عالم و عامی - چه در آغاز کردن به سلام و چه در پاسخ دادن به آن، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و تحمل آزار و رنج در طریق امر به معروف و نهی از منکر، و دعوت مردم به حق. آری باید آنان از بذل جان در راه خدا دریغ نورزند و سراپای وجود خود را در طریق رضای خداوند قرار دهند و از سرزنش هیچ سرزنش گری، ترس و بیمی به دل خود راه ندهند. و در اداء چنین وظائف، به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر انبیاء (علیهم السلام) تأسی جویند، و یادآور رنج ها و محنت هایی گردند که پیامبران الهی در طریق قیام به اوامر و تکالیف آسمانی، دچار آن ها گشتند.

معلم و شاگرد نباید در رفتار آشکار و نهان خویش، صرفاً به اعمالی که شرعاً مباح و جایز است بسنده کنند. باید بکوشند که خود را با زینده ترین و کاملترین اعمال ظاهری و باطنی بیاریند؛ زیرا علماء و دانشمندان - در نظر توده مردم - الگوهای سازنده و سرمشقهایی هستند که آنانرا تحت تاءثیر قرار می دهند. آنان به عنوان مرجع و مرکزی تلقی می گردند که مردم را به سوی خویش جلب می کنند.

علماء و دانشمندان، حجت های خداوند متعال و ادله و برهان های او بر توده مردم می باشند که گاهی برای فراگیری راه و رسم زندگانی، افرادی مراقب این علماء هستند که این علماء آن ها را نمی بینند، و نیز افرادی از این علماء پیروی می کنند و آنانرا الگوی خود قرار میدهد که این علماء از آن ها آگاهی ندارند (یعنی افرادی آشنا و ناآشنا

که علماء و دانشمندان، آن ها را نه می بینند و نه می شناسند - پیرو دانشمندان بوده ، و رفتار و گفتار آن ها را سرمشق قرار می دهند).

بنابراین اگر عالم و دانشمند از نظر انتفاع و برخورداری از علم و آگاهی خویش ، محروم و بیگانه باشد، قطعاً دیگران در انتفاع و بهره گیری از علم و دانش او، محروم تر و بیگانه ترند. به همین جهت لغزش عالم و دانشمند با توجه به مفاسدی که از این رهگذر بر آن مترتب است و زیان آن به توده مردم می رسد (هر چند که این لغزش، اندک و ناچیز باشد) عظیم و غیرقابل اغماض خواهد بود.

بخش دوم: آداب و وظائف معلم و شاگرد در درس و سایر اشتغالات

۱- مداومت و استمرار بحث و اشتغالات علمی

باید معلم و شاگرد در اشتغالات علمی - اعم از خواندن ، مطالعه ، نگارش و حاشیه نویسی ، مباحثه ، مذاکره ، تفکر و تدبر، حفظ و از بر کردن ، اقراء ، و امثال آنها همواره کوشا باشند. و باید ملازمت و همبستگی با اشتغالات علمی را مطلوب خویش برشمرده و آنرا سرمایه زندگانی خود تلقی نمایند. و حتی الامکان به کارهای غیرعلمی - یعنی به امور دنیوی سرگرم نشوند؛ ولی در صورت عدم امکان می توانند اشتغالات به امور دنیوی را به قدر ضرورت و نیازهای اولیه محدود سازند. البته باید توجه داشته باشند که اشتغالات غیر علمی و رسیدگی به ضروریات اولیه دنیوی - بر حسب نیازهای روزمره زندگی - آنگاه معقول است که معلم و شاگرد نیازهای علمی خود را برآورده ساخته و وظائف مربوط به آنرا اداء کرده باشند. به همین جهت گفته اند: (تمام وجود خویش را در اختیار علم قرار ده ، تا خود علم ، مقداری از خویشتن را در اختیار تو قرار دهد و شمه ای از خود را به تو عطاء کند).

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: (خداوند (عز و جل) گوید: مذاکرات و گفتگوهای علمی در میان بندگانم - به شرط آنکه این مذاکرات ، آنانرا به امر و فرمان و شناخت من ، رهنمون باشد، از عواملی است که می تواند قلب های مرده و دل های خفته را زنده و بیدار سازد).

امام باقر (ع) فرمود: (خدای پیامرزا بنده ای را که علم و دانش را حیات بخشیده و آن را زنده کرده است. عرض کردند: کیفیت احیاء علم چیست ؟ فرمود: به این صورت است که دینداران و افراد باتقوی از طریق مذاکره و گفتگوهای علمی ، (به علم و دانش ، روح تازه ای ببخشند و آنرا احیاء نمایند).

از همان امام (علیه السلام) نقل شده است که گفت : (مذاکره و گفتگوهای علمی به عنوان درس و بررسی است ، و درس و بررسی و مطالعه ، به عنوان نماز و عبادتی نیکو به شمار می آید).

۲- خودداری از مرء و جدال و ستیزه جوئی در بحث

پرسش هائی که معلم و یا شاگرد مطرح می سازند نباید به منظور آزار رساندن و وانمود ساختن عجز و ناتوانی و طعنه زدن به شخصیت علمی طرف باشد؛ بلکه باید به صورت پرسش شاگرد باشد که برای خدا از معلم - به منظور فراگیری و کسب اطلاع - سؤال می کند. و نیز پرسش معلم از شاگرد باید به منظور ارشاد به حقیقت و واقعیت باشد و خدا را در این مسیر در مد نظر گیرند و همدیگر را به خیر رهنمون سازند. یعنی طرفین باید از سؤالهای خود ارشاد و راهنمایی و یا استرشاد و راه یابی را در نظر گیرند. با چنین شرائطی است که هدف عالی تعلیم و تعلم، پدیدار شده و شجره علم، رشد خود را آغاز نموده و نهال آن بارور می گردد.

اما اگر هدف پرسش کننده صرفاً عبارت از خودنمایی و ستیزه جوئی باشد و بخواهد از راه سؤال پیچ کردن، غلبه و پیروزی خویش و از بکارافتادن طرف را به رخ دیگران بکشد، این روش و چنین هدف گیری ها در جان و دل انسان نیروهای پست و فرومایه و عادات پلیدی را به ثمر می رساند، عاداتی که خشم خدا را برمی انگیزد. علاوه بر اینکه مرء و جدال، موجب فرومایگی روح و جلب خشم الهی می گردد، مفاسد و معاصی متعدد دیگری را برای انسان به ارمغان می آورد که این معاصی و مفاسد عبارتند از: آزار رساندن به طرف، نادان و بیسواد قلمداد کردن او، خدشه دار ساختن او، خودستائی، پاکیزه انگاری خویشتن، و امثال آنها از رفتارها و حالاتی که از گناهان گرانبار و از عیوبی به شمار می آیند که در سنت و راه و رسم دین مقدس اسلام به سختی از آن ها نهی شده است. (غائله سوء و نتایج شوم پرسش های ستیزه آمیز و عاری از هدف الهی و علمی، به همین جا ختم نمی شود؛ بلکه) از رهگذر آن، زندگانی انسان دستخوش پریشانی و اضطراب می گردد؛ زیرا اگر تو با فرد سفیه و نابخرد - به منظور خودنمایی - به جدال و ستیز برخیزی، رفتار سفیهانه او، ترا می آزارد. و اگر با فرد صبور و بردبار و دوراندیش بستیزی، ترا از خویش می راند و نسبت به تو کینه به دل می گیرد.

الف - احادیث در نکوهش جدال و ستیز در بحث :

خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) شدت حرمت و ممنوعیت جدال و ستیز و درگیری هائی را - که فاقد هدف الهی و علمی است - به مردم اعلام فرموده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: (با برادر ایمانی خود به جدال و ستیز برنخیز، و با او مزاح و شوخی مکن، و وعده ای را که به آن وفا نمی کنی با او در میان نگذار). و نیز فرمود: (اگر کسی از ستیز و جدال خودداری کند، و با وجود اینکه خود را ذیحق می داند از درگیری در سخن صرف نظر نماید، خانه و سرای آرام بخشی در قله های رفیع بهشت برای او بناء و مهیا می گردد. و اگر کسی از جدال خودداری نماید - حتی در حالیکه حق با او نیست و یاوه می گوید - برای او سرائی در کرانه و پیرامون و یا میانه بهشت بنا می شود). و همو فرمود: (جدال و ستیزه جوئی را کنار بگذارید؛ زیرا حکمت آنرا باز نمی یابی، و نیز از فتنه و آشوب و آفات آن در امان نمی مانی). (یعنی هیچکس حکمتی را از لابلای جدال و ستیزه جوئی به دست نیاورده و نیز از آفات آن در امان نمانده است).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: (جدال و ستیزه جوئی ، یک بیماری پنهان و غداری می باشد. در انسان ، هیچ خصلتی بدتر از آن وجود ندارد. ستیزه جوئی، مشخص خوی ابلیس و نسبت او است. هیچ فردی در هیچ حالتی گرفتار آن نمی گردد مگر کسی که از خودشناسی و مردم شناسی بی بهره، و از شناخت حقایق دین ، محروم است) . (اینگونه افراد که گرفتار خودباختگی هستند، و ارج و پایه انسانی خویش را نمی شناسند و از مردم شناسی نیز بی بهره اند و فاقد احساس وابستگی با تعالیم و حقایق دینی می باشند، ستیزه جوئی و درگیری با مردم را پیشه خود ساخته و بدون آنکه از این نزاعها و خودنمائیها بهره ای را عائد خویش و یا دیگران نمایند، موجبات رنج و آزار و پریشانی روانی خود و دیگران را فراهم می آورند، و مآلاً، جامعه ای که با اینگونه ستیزه جوئی فرم یافته است دستخوش هرج و مرج می گردد. چنین جامعه ای نه تنها راهی فراسوی آن برای سازندگی باز نمی شود؛ بلکه سرگشتگی و سراسیمگی و بالاخره انحطاط و نابودی ، آنرا تهدید می کند).

گویند: شخصی به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: بنشین تا با هم در مسائل مربوط به دین مناظره کنیم . حضرت فرمود: فلانی ! من در دین و آئین خود با بصیرت هستم و راه هدایت برای من مکشوف و روشن است . اگر تو درباره دینداری و آئین خویش ، از نادانی و بی اطلاعی رنج میبری ! برو کاوش و جستجو کن . (شئون انسانی و معنوی من اجازه نمی دهد که دست اندر کار جدال و ستیز گردم) مرا با جدال چه کار است ؟ به هوش باش که شیطان، آدمی را وسوسه می کند و با سخن های درگوشی با انسان ، به نجوی و رازگوئی مشغول می شود و می گوید: از جدال و ستیز دریغ مکن ، با مردم مناظره کن ؛ چون ممکن است (کناره گیری و چشم پوشی از آن) این تصور را در مردم به وجود آورد که تو از لحاظ بینش دینی ، عاجز و ناتوان ، و گرفتار جهل و نادانی هستی).

ب - انواع جدال با مردم :

(جدال و مراء با مردم (که ریشه آن ، حس خودنمائی و خویشتن آرائی و اعتراض به سخن دیگران است) از چهار صورت بیرون نیست:

- ۱- ممکن است جدال و درگیری ، مربوط به مسئله ای باشد که طرفین نزاع کاملاً از آن وقوف و آگاهی داشته و در اساس و بنیاد آن مسأله ، هیچگونه اختلافی با هم نداشته باشند. بنابراین نزاع و درگیری طرفین در آن مسئله، موجب از دست نهادن اخلاق و آداب حسنه و نصیحت و اندرزهای دینی گشته و در نتیجه ، آندو پویای فضیحت و رسوائی و بدنامی خود خواهند بود. و مآلاً علم و دانش را از این رهگذر تباه و بی مقدار خواهند ساخت .
- ۲- یا آنکه طرفین ، گرفتار جهل و بی اطلاعی نسبت به آن مسأله می باشند. در این صورت ، نزاع آن ها جز اظهار جهل و نادانی و ستیزه جوئی و اصرار در ابراز بی اطلاعی ، نتیجه و ثمر دیگری نخواهد داشت و نیز تلاش و درگیری آن ها به خاطر جهل خواهد بود.

۳- یا آنکه یکی از طرفین، فردی عالم و آگاه به مسئله، و دیگری فردی فاقد علم و بصیرت در آن مسئله می باشد. اگر آن فرد آگاه و عالم بخواهد از راه جدال و درگیری، عجز و ناتوانی و نارسائی علمی طرف را به رخ او و دیگران بکشد؛ در حقیقت، ظلم و ستم را - به خاطر پی جوئی از لغزشش - بر او روا داشته است؛ (زیرا برای ارشاد دیگران، جدال و ستیزه جوئی، راه منحصر به فرد نیست. انسان می تواند مردم را با آمیزه مهر و راءفت، و رحمت و شفقت، راهنمایی و ارشاد کند).

۴- یا اینکه تو، فاقد علم و آگاهی هستی؛ ولی طرف نزاع تو فردی عالم و آگاه است. اگر در چنین شرائطی با او ستیز کنی و درگیر شوی احترام و آبروی او را از میان برده، و مقام و منزلت عالم و دانشمند را ارج نهاده ای. (تو که در برابر حق تسلیم نمی گردی از راه جدال و ستیز با عالم و دانشمند نه تنها بهره ای عائد خود نمی سازی؛ بلکه گناه اهانت به دانشمند را بر بار گناه ستیزه جوئی خویش، اضافه می کنی).

ج - راه گریز از جدال و ستیزه جوئی با مردم:

برای فرار و گریز از جدال و ستیز بیجا، لازم است که انسان از اعتراض و انکار هر سخنی که می شنود چشم پوشی کند. اگر سخن کسی بر اساس حق و حقیقت مبتنی باشد باید قلباً آنرا تصدیق و تاءید کرد، و در صورت نظرخواهی، صدق و راستی و درستی آنرا اظهار نمود. اگر سخن کسی به ناحق و باطل باشد و این سخن با امور مربوط به دین، پیوندی نداشته باشد، فرد باید سکوت را پیشه خود سازد؛ البته در صورتی که شرائط لزوم عمل و اداء وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن سخن باطل، فراهم نیامده باشد، (و الا سکوت و بی تفاوتی در برابر چنان باطل، جائز و روا نیست).

خرده گیری از سخن دیگران و مخدوش ساختن آن، ممکن است مربوط به لفظ و طرز تعبیر باشد؛ به این معنی که در سخن طرف، از نظر قواعد دستوری و لغوی و نظم و ترتیب کلمات، خللی وجود داشته باشد. و این خلل، یا ناشی از نارسائی اطلاعات ادبی است و یا معلول طغیان و لغزش زبان (و سبق لسان) می باشد. و یا ممکن است خرده گیری از سخن دیگران به معنی و محتوای آن مربوط باشد، به این معنی که بگوید: مطلب آنطور نیست که تو می گوئی، یا تو در این بیان خود - به این دلیل و آن دلیل - دچار اشتباه هستی. و یا عیبجوئی از سخن دیگران ممکن است به هدف و منظور گوینده آن ارتباط داشته باشد. مثلاً به او بگوید: اگرچه سخن و گفتار تو درست و به حق است، ولی منظور تو عبارت از اظهار حق نیست؛ (بلکه می خواهی هدف دیگر و منظور باطلی را در لابلائی گفتار خود، وانمود سازی)، و امثال اینگونه عیب جوئی ها (که می توان از طریق محبت و ملاطفت و بدون نیاز به ستیزه گری، آن ها را جبران کرد).

برای پی بردن به سوء نیت و فساد قصد و هدف گوینده، نشانه ای وجود دارد که به وسیله آن می توانیم به نادرستی قصد و اراده او آگاه شویم. به این صورت که مشاهده می کنیم: وی - به خاطر اظهار فضل و خودنمایی و اظهار

آشنائی به مسئله - از ظاهر گشتن حق و اثبات واقعیت به وسیله دیگران ، ابراز تنفر می کند، (این حالت روانی ، نمایانگر سوء نیت و فساد قصد و اراده گوینده است)، چون انگیزه این حالت روانی ، حس برتری جوئی و از طریق اظهار فضل می باشد که با تهاجم و یورش به دیگران همراه است ، و میخواید با چنین یورش و سرازیر کردن سیل انتقاد، عیب و نقص طرف را وانمود سازد.

د - باید مراقب دسیسه های ابلیس باشیم .

نباید شیطان ترا فریب دهد؛ چون ممکن است با سخنان خدعه آمیز و گفتار حق بجانب خود، به تو بگوید: از اظهار حق دریغ مکن و در اظهار حق از سازش و مجامله و سستی خودداری نما. (آری نباید انسان تحت تاءثیر چنین گفتارهایی قرار گیرد)؛ چون شیطان همواره با صحنه سازی های دلسوزمآبانه و چهره و سیمای خیرخواهی ، افراد کم خرد را به شر و فساد می کشاند.

۳- نباید از یادگیری و تحصیل علم و آگاهی در هیچ شرایطی استنکاف نمود

معلم و شاگرد نباید از یادگیری و استفاده علمی از افرادی که در مقام و منصب و سن و شهرت و دینداری و یا علوم و دانش های دیگر، پائین تر و پست تر از آن ها هستند، استنکاف ورزند؛ بلکه باید از هر کسی که استفاده علمی از او امکان پذیر است ، بهره و فائده ای به دست آورند.

والائی مقام و شهرت آنان نباید مانع از آن شود که در استفاده و بهره گیری از افراد پائین تر از خود - در مسائلی که در آنها آگاهی کافی ندارند - دریغ کنند، چون این حالت ، موجب می شود که در تجارت و سوداگری علمی خویش دچار زیان گشته ، و مراتب علم و آگاهی آنها رو به نقصان گذارده ، و مشمول خشم و غضب پروردگارشان واقع شوند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((حکمت و دانش و سخن حکیمانه ، گمشده افراد باایمان است . یک فرد باایمان آنگاه که علم و حکمت را در هر جا بیابد در فراگرفتن دست یازی به آن ، از همه افراد دیگر شایسته تر و سزاوارتر می باشد)).

کوری و فقدان بینش علمی، عبارت از طول مدت سؤال و استمرار پرسش نمی باشد، بلکه کوری کامل و فقدان بینش علمی، عبارت از طولانی ساختن سکوت و عدم پرسش است که همراه با جهل و نادانی، چنین سکوتی ادامه یابد.

۴- انعطاف و تسلیم بودن در برابر حق

معلم و شاگرد باید سعی کنند نیروئی را به دست آورند که در ظل آن نیرو، حس پذیرش حق و انقیاد و تسلیم بودن در برابر واقعیت ها، در آنان به ثمر رسد. این مسأله از نکات مهم و اساسی مربوط به آداب و وظائف مشترک میان معلم و شاگرد نسبت به خود می باشد. به این معنی : چنانکه احساس کردند که در سخنان خویش دچار اشتباهی شده اند - اگرچه این اشتباه و لغزش را فردی کوچکتر و کم سال تر از آنها اظهار کرده و تذکر دهد - نباید از

رجوع به حق (و اعتراف به اشتباه خود) دریغ نمایند؛ زیرا اعتراف به اشتباه و تسلیم شدن در برابر حق - علاوه بر آنکه دارای وجوب و ضرورت دینی و اخلاقی است - موجب برکت و فزونی سرمایه علم و دانش در میان جامعه می باشد.

اصرار معلم و شاگرد در عدم پذیرش حق - ولو از فردی کوچکتر - عبارت از نوعی کبر و خودبزرگ بینی است که در پیشگاه خداوند، سخت مذموم و نکوهیده می باشد و موجب طرد و دوری انسان از رحمت خداوند متعال می گردد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که ذره ای کبر و خودبزرگ بینی در دل او وجود داشته باشد، به بهشت و سرای نیکبختی راه ندارد. بعضی از یاران آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله (بر اساس این معیار، راه نجاتی نخواهیم داشت؛ بلکه) هلاک و نابودی و بدبختی، ما را تهدید می کند؟ چون برخی از ما مردم به کفش خوب و جامه زیبا و فاخر، احساس علاقه و دلبستگی می نمایند (و می خواهند با جامه زیبا و با افزار خوب، زندگانی کنند؟) پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این نوع علاقه و دلبستگی، کبر و خودبزرگ بینی نیست؛ بلکه کبر و خودبزرگ بینی عبارت از (بطر الحق و غمض الناس) یعنی عدم اعتراف به حق، و حقیر شمردن مردم می باشد، و (بطر الحق) بمعنی مردود ساختن سخن حق بر گوینده آن، و عدم اعتراف به آن پس از ظهور و آشکار شدن حق است، اعم از آنکه حق به وسیله فردی خردسال یا بزرگسال و یا شخصیتی بزرگ و برجسته و یا شخصیتی حقیر و پست و گمنام آشکار گردد. همین مقدار تهدید برای نکوهش کبر و خودبزرگ بینی، و درک منع و نهی آن از طرف شارع مقدس اسلام، (برای هر فرد عاقل و خردمند)، کافی و بسنده است.

۵ - آمادگی قبلی معلم و شاگرد برای درس

معلم و شاگرد (پیش از آنکه دست اندر کار تدریس و یادگیری گردند، یعنی) پیش از آنکه معلم، درس خود را آغاز کند، و قبل از آنکه شاگرد، سؤال را مطرح سازد، در مورد درس و سؤال خود، دقت و تأمل نمایند، و آنرا به صورت منقح و پاکیزه ای آماده سازند تا از شتابزدگی و لغزش و تصورات واهی و واژگونی درک و فهم، مصون باشند. و بدین طریق (عادت به دقت در مورد مطلب و یا سؤال) به صورت نیروی شایسته ای برای آنها درمی آید (تا همواره در مورد تدریس و یا سؤال خویش، با اندیشمندی و سنجش فکری، خوی گیرند). و گر نه اگر به شتابزدگی در پرسش و پاسخ عادت کنند، اشتباهات و لغزش های آن ها رو به فزونی گذاشته، و عیب و نقص آنان گسترش یافته، و اشتباه آنها آشکار و برملا می شود؛ و نتیجه در محیط خود، به عنوان افرادی لغزنده و اشتباه کار و شتاب زده معروف می گردند. به ویژه اگر همشینیانی بدسیرت در محیط آن ها بسر برند، همشینیانی که معلم و شاگرد بیمنا دارند که مبادا رفتار نسنجیده آن ها را دستاویز و بهانه ای برای انتقاد و عیبجویی قرار دهند، و حالات نابسامان آن ها را نزد حسودان و رقیبان، به عنوان سمت و نمودار شخصیت آن ها معرفی نمایند.

۶- رعایت نظافت و پاکیزگی ، و لزوم آراستن ظاهر

معلم و شاگرد - آنگاه که می خواهند در جلسه درس حضور یابند - لازم است همیشه با وضوء، و پاکیزه از هر گونه کثافت و آلودگی و پلیدی باشند. بدن و جامه خویش را نظیف و خوشبو سازند، و به منظور تجلیل از مقام علم و دانش ، و رفاه حال حاضران و همنشینان و فرشتگانی (که پروانه وار، گرداگرد این محفل مقدس در گردشند) بهترین جامه خود را در بر کنند. و به خصوص اگر جلسه درس در مسجد برگزار شود (رعایت این نکات شایسته تر است). به طور فشرده : تمام نکاتی که در مورد نظافت و پاکیزگی بدن و لباس در شریعت مقدس اسلام درباره همه مردم گوشزد شده است ، رعایت آنها برای معلم و شاگرد شایسته تر و ضروری تر می باشد.

منابع داخلی:

- آقازاده، احمد (۱۳۶۹). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- آقازاده، احمد. (۱۳۷۱). آموزش و پرورش تطبیقی. فصلنامه پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت، شماره ۳، بهار.
- آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۲). آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن. تهران: انتشارات طهوری.
- افتخارزاده، سیدجلال الدین. (۱۳۵۱). نقش معلم در تمدن جهان. تهران: انتشارات تصویر.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۶). « جایگاه معلم در جامعه ایران اسلامی ۱۴۰۰ ». ماهنامه پیوند، شماره ۲۱۱.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۲). ویژگی ها و قابلیت های مورد انتظار از معلمان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسکید مور، ویلیام. (۱۳۸۵). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- الماسی، علی محمد. (۱۳۷۵). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: انتشارات رشد.
- الکافی ۱۰۷/۳ - ۱۰۹. منیة المرید، ص ۴۷، ۴۸.
- ال گوئنگ، جرال. (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. (ترجمه محمد پاک سرشت). تهران: انتشارات سمت.
- اولیچ، رابرت. (۱۳۹۰) مربیان بزرگ، تاریخ اندیشه های تربیتی. (ترجمه ی علی شریعتمداری). تهران: انتشارات سمت.
- بحارالانوار ۱۳۵/۲
- بری، آدامسن، میسن و مارک، باب. (۱۳۸۹). پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش (رویکرد و روش). (ترجمه ی عباس معدن دارآرانی و پروین عباسی). تهران: انتشارات آبیژ.
- پارسا، محمد. (۱۳۷۵). روانشناسی تربیتی. تهران: نشر سخن. چاپ سوم.
- پارسا، محمد. (۱۳۷۴). روان شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه ها. تهران: نشر سخن.
- پارسیان، علی. (۱۳۸۸)، جستاری در عوامل فراز و فرود تمدن اسلامی، علوم اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۵۷-۱۹۰.
- پورعلیرضا توتکله، علی. (۱۳۸۷). مدرسه و خلاقیت. مجله اطلاعات علمی، شماره ۳۴۹، ص ۳۶-۳۴.
- پورعلیرضا توتکله، علی. (۱۳۸۷). آموزش در چارچوب روانشناسی، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۹۷، ص ۳۴-۳۲.
- تکنولوژی آموزشی. (۱۳۸۲). شماره ۱۹، اسفند ماه.
- تکنولوژی آموزشی. (۱۳۸۳). شماره ۱۹، فروردین.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۶). نظریه های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۷۹). مبانی برنامه ریزی درسی. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- چلی، مسعود. (۱۳۷۱). جامعه شناسی آ.پ (جزوه درسی) دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حنیفه، حسین. (۱۳۸۲). استانداردهای آموزش فضای قرن ۲۱.
- دبیرخانه شوارای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲): فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات سمت. جلد اول.

- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه. (ترجمه: حسین بهروان). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- دهقان، داریوش. (۱۹۹۵). گزارش همایش بین المللی بانکوک. (مقاله).
- سفینه ی البحار ۱/۳۱۵.
- شفلر، اسرائیل. (۱۳۸۱). چهار پراگماتیسم. (ترجمه ی محسن حکیمی). تهران: نشر مرکز.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۵): فلسفه آموزش و پرورش، امیرکبیر: تهران.
- صافی، احمد. (۱۳۷۶). سیمای معلم. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- علی بن ابیطالب (ع). (۱۳۸۳). نهج البلاغه. (ترجمه محمددشتی). قم: موسسه تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- علم الهدی، جمیله، ۱۳۸۹، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فرمehنی فراهانی، محسن. (۱۳۸۸). پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آبیژ.
- کاردان، علی محمد. (۱۳۵۶). مقام و سهم معلم در ساخت جامعه ایران. ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۱.
- کنز العمال ۳/۵۲۷، ۵۲۸.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۰). مبانی جامعه شناسی. (ترجمه: رضا فاضل و غلام عباس توسلی). تهران: انتشارات سمت.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۹۰). نظریه های بنیادی جامعه شناسی. (ترجمه فرهنگ ارشاد). تهران: نشر نی.
- کنز العمال ۱۰/۱۸۳، ۱۸۴. شرح شهاب الاخبار، ص ۳۶۸.
- گلاور، جان ای، برونینگ، راجراچ. (۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی، اصول و کاربرد آن. (ترجمه علینقی خرازی). تهران: نشر دانشگاهی.
- چاپ چهارم.
- گوتک، جeraldلی. (۱۳۹۱). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. (ترجمه محمدجعفر پاک سرشت). تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا.
- مظاهری، حسین. (۱۳۷۱). ویژگی های معلم خوب. قم: تربیت معلم آیت الله طالقانی.
- ملایی نژاد، اعظم. (۱۳۸۲). تدوین استانداردهای کیفیت معلمان.
- مکارم شیرازی و سایر همکاران، پیام قرآن ج ۱۰.
- منیه المريد. شرح شهاب الاخبار ص. کنز العمال ۳/۴۶۱. در الکافی ۳/۴۱۶.
- منیه المريد. بحار الانوار ۲/۱۰۹، به نقل از امالی شیخ طوسی.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- موریش، ایور. (۱۳۷۳). درآمدی به جامعه شناسی تعلیم و تربیت. (ترجمه غلامعلی سرمد). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). علم و تمدن در اسلام. (ترجمه ی: احمد آرام). تهران: انتشارات: علمی و فرهنگی.
- نقیب زاده جلالی، میرعبدالحسین. (۱۳۹۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: نشر طهوری.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۸). مدرنیته و مدرنیسم. تهران: انتشارات نقش جهان.
- نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات رازن.

سایت ها:

سایت بلاغ

سایت حوزه

www.Amoozeshvaparvarehsh.Org

<http://www.learn-group.ir>

<http://rasekhoon.net/article>

منابع خارجی:

Dessus, Philippe. Mandin, Sonia, Zampa, Virginie (۲۰۰۸) What is teaching? Cognitive based tutoring principles for the design of a learning environment, In S.Tazi & K.

Finley, Sandra J(۲۰۰۰) Instructional coherence, changing role of the teacher, southwest educational development laboratory(SED L), pp ۱-۲۲.

Faruqi, Shad Saleem, ۲۰۱۳, Islam and the Future of the Arab World. Available at: www.global-economic-symposium.org.

Inayatullah, Sohail, ۲۰۱۲, Alternative Futures for the Islamic Ummah, Available at: www.metafuture.org/Articles/AltFuturesUmmah.htm.